

تنگه آخر الزمانی

آتلانتیک: ایران در تمام این سال‌ها یک سلاح
آخر الزمانی در اختیار داشت



تشکر از
سیمبانات



فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت چهاردهم، در «روز جهانی سیمان» با حضور در شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ، ضمن بازدید از زیرساخت‌های این مجموعه، از زحمات شبانه‌روزی تکنسین‌ها و مهندسان صنعت برق کشور تقدیر کرد و از رضایتمندی عمومی در پی خنثی‌سازی هزاران حمله به زیرساخت‌های انرژی خبر داد. سخنگوی دولت چهاردهم در ادامه بازدیدهای میدانی خود، روز یکشنبه (۳۰ فروردین ۱۴۰۵) با حضور در شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ، از ناوگان خودرویی و لجستیک این شرکت و همچنین مرکز پایش و رصدخانه (دیسپاچینگ) برق و انرژی شهر تهران بازدید به عمل آورد.

وی در این برنامه که به صورت پخش زنده (آنلاین) با ۳۲ منطقه پستی برق کشور در ارتباط بود، در مراسم تقدیر از سیمبانات صنعت برق شرکت کرد.

پاسداران نور و افتتاح ۱۴۰۵مین پست برق در سال ۱۴۰۵ فاطمه مهاجرانی در ابتدای سخنان خود ضمن ادای احترام به ساحت تمامی شهیدان، از رهبر شهید تا شهدای صنعت برق، یاد و خاطره دو بانوی بزرگوار صنعت برق که در جنگ تحمیلی دوم و سوم جان خود را تقدیم انقلاب و مردم کردند، گرامی داشت.

وی با اشاره به تقارن معنادر سال جاری با دستاوردهای زیرساختی اعلام کرد: امیدوار هستم که این هزار و چهارصد و پنجمین (۱۴۰۵) پستی که در سال ۱۴۰۵ افتتاح شد، با خیر و برکت مورد استفاده مردم عزیزمان قرار بگیرد.

شایان ذکر است این پست به نام شهیده مژده زندی نسب (رییس گروه فنی برنامه و بودجه توزیع توانیر و دانش آموخته دکتری مهندسی برق از دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران) مزین شد.

سخنگوی دولت سیمبانات را «پاسبانان و پاسداران نور و زندگی» خواند و تأکید کرد: در دنیای امروز، زندگی بدون جریان برق بی‌معنا و نشدنی است. شما تنها چراغ‌ها را روشن نمی‌کنید، بلکه به کل جریان زندگی مردم کمک می‌کنید.

خنثی‌سازی بیش از ۲۰۰۰ حمله به زیرساخت‌ها و رضایتمندی عمومی مهاجرانی با اشاره به تهدیدات و حملات گسترده به زیرساخت‌های حیاتی کشور، از ایستادگی نیروهای صنعت انرژی پرده برداشت و گفت: جا دارد از تمامی عزیزانی که در طول این مدت، در برابر بیش از ۲۰۰۰ حمله‌ای که به صنعت آب و برق صورت گرفت ایستادگی کردند تشکر کنیم.

۵

مجله آتلانتیک در تحلیلی به نقش راهبردی تنگه هرمز اشاره می‌کند و آن را به‌عنوان یک «اهریم بازدارنده» در اختیار ایران توصیف می‌کند. این تنگه باریک که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌کند، یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان است؛ به‌طوری که حدود یک‌سوم تجارت دریایی نفت از آن عبور می‌کند. ایران به‌واسطه موقعیت جغرافیایی خود در شمال این تنگه، در طول دهه‌های گذشته همواره توان بالقوه کنترل یا اختلال در عبور و مرور کشتی‌ها را داشته است. این موضوع به‌ویژه در زمان تنش‌های منطقه‌ای یا فشارهای بین‌المللی، به‌عنوان یک ابزار بازدارنده مطرح شده است. با این حال، کارشناسان تأکید می‌کنند که بستن کامل تنگه هرمز اقدامی بسیار پرهزینه و پیرریسک است که می‌تواند واکنش شدید نظامی و اقتصادی در سطح جهانی به‌دنبال داشته باشد.



طارمی از ترکیب اصلی دور شد

در صفحه ۸ بخوانید

ترامپ دروغگو

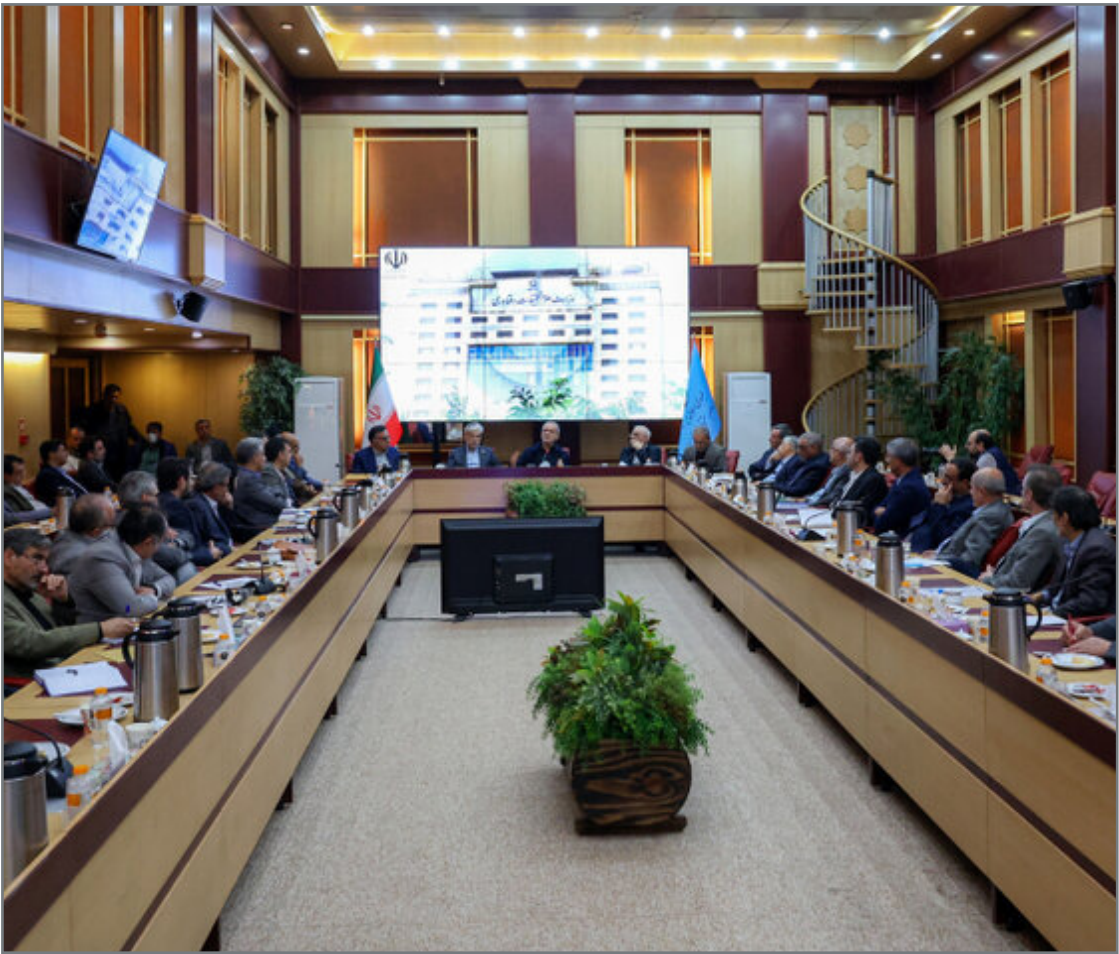
در صفحه ۳ بخوانید

جای خالی دختران میثاب در روز دختر

در صفحه ۴ بخوانید



ایران هیچگاه به دنبال گسترش جنگ نیست



مسعود پزشکیان در جریان بازدید و نظارت ستادی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گزارشی از آخرین وضعیت آموزش عالی کشور، عملکرد دانشگاهها در شرایط ویژه ناشی از جنگ اخیر، میزان آسیبها و خسارات وارده به برخی واحدهای آموزشی و روند استمرار فعالیت‌های علمی و پژوهشی دریافت کرد و تداوم آموزش، مدیریت شرایط بحرانی در دانشگاهها و حفظ پویایی فعالیت‌های علمی را مورد تأکید قرار داد.

در ادامه این نشست، رئیس‌جمهور با قدردانی از تلاش مجموعه مدیریتی و دانشگاهی کشور اظهار داشت: آنچه امروز در ساختار اداری و مدیریتی کشور در حال وقوع است، با همراهی و تلاش مجموعه مدیران و کارکنان در جریان است و اگر لطف خداوند نبود، کشور با مشکلات جدی‌تری مواجه می‌شد.

دانشگاهها باید در خط مقدم حل مسائل کشور قرار گیرند

پزشکیان با تأکید بر نقش دانشگاهها در حل مسائل کشور افزود: اعتقاد من این است که هیچ مشکلی در کشور وجود ندارد که برای آن راه‌حل وجود نداشته باشد و حتی برای هر مسئله، تنها یک راه‌حل مطرح نیست، بلکه صدها مسیر برای حل آن قابل تصور است. دانشگاهها باید در خط مقدم حل مسائل کشور قرار گیرند و ظرفیت علمی خود را در خدمت جامعه قرار دهند.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه دانشگاه محل تجمع تخصص‌های مختلف از جمله اقتصاد، کشاورزی، صنعت، مدیریت، فرهنگ و جامعه‌شناسی است، تصریح کرد: انتظار از دانشگاهیان این است که صرفاً در فضای آموزشی باقی نمانند، بلکه با حضور فعال در میدان عمل، در حل مسائل کشور نقش‌آفرینی کنند. امروز علم زمانی اثرگذار است که در متن جامعه به کار گرفته شود.

پزشکیان ادامه داد: کشور با چالش‌های متعددی مواجه است و در شرایطی که دشمنان با علم، دانش و پیشرفت ما مسئله دارند، این نخبگان و دانشگاهیان هستند که می‌توانند مسیر حل مشکلات را هموار کنند. همان‌گونه که در حوزه دفاعی نیز توان علمی کشور نقش‌آفرین بوده، در سایر حوزه‌ها نیز باید این ظرفیت تقویت شود.

رئیس‌جمهور با اشاره به ضرورت حضور فعال‌تر جوانان و



دست برتر ایران در روایت جنگ

■ ابیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت اظهار کرد: جنگ یک حادثه خیلی بزرگ است. در این جنگ هم که بر کشور ما تحمیل شد، دو کشور با قدرت و سازوبرگ نظامی بالا که دارای بمب اتم هم هستند، به کشور ما حمله کردند، رهبر عزیز ما را به شهادت رساندند، فرماندهان و چهره‌های شاخص بسیاری شهید شدند. خسارات بزرگی وارد شد، اما کشور ما، ایران ما استوار و سربلند ایستاد، در بسیاری از کشورها با کشتن رهبران، کشورها را هم پاشیدند.

حضرتی ادامه داد: ایران در ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته در شدیدترین تحریم‌ها بود، تحریم‌های هوشمند را تجربه کرده و هشت سال جنگ را در عراق پشت سر گذاشت، در سال ۱۴۰۴ با سه حادثه جنگ ۱۲ روزه، اتفاقات دی ماه و جنگ ۴۰ روزه مواجه شد. در این شرایط دشمن دنبال این بود که کل کشور به هم بریزد و تسلیم شود و نفت ما را بگیرد. اما ایران با پشتوانه نیروهای مسلح غیور و مردم همیشه در صحنه جانانه ایستاد و این قدرت‌ها را مستاصل و درمانده کرد.

میدان روایت‌سازی، جنگ رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی ایجاد شد و ی با بیان اینکه ما از روز نخست جنگ، تأکید کردیم که باید میدان روایت جنگ را ایجاد کنیم، گفت: میدان روایت‌سازی، جنگ رسانه‌ای و جنگ اطلاع‌رسانی ایجاد شد و ما در این میدان، توفیق زیاد و دست برتر داشتیم، تا جایی که حتی ترامپ نیز به آن اعتراف کرد و رسانه‌هایی مانند گاردین و سی‌ان‌ان هم اذعان داشتند که ایران در رسانه و انعکاس روایات موفق تر از دشمن بود.

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت افزود: ازسوی دیگر در بخش نظامی هم علیرغم آنکه دشمن ساز و برگ قابل توجهی داشت، ما توانستیم ضربات شدیدی را هم به پایگاه‌های رژیم صهیونیستی و هم به پایگاه‌های آمریکا در منطقه وارد کنیم. به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حیثیتی هم ضربات محکمی به دشمن وارد شد. حضرتی ادامه داد: در حوزه جنگ رسانه‌ای و روایت‌سازی، ما سه واقعیت را به جهان اعلام کردیم. اول مظلومیت و حقانیت ملت ایران و دروغگو بودن دشمن. دوم ناسازگاری دشمنان با صلح و غیرقابل اعتماد بودن آنان، دنیا فهمید که دشمن در میانه مذاکره با ما، به شکلی غیرقانونی وارد جنگ با ایران شد. سومین موضوع نیز توانایی، اقتدار و تاب‌آوری نیروهای نظامی و ملت ایران بود که جهان آن را دید. ترامپ اعتراف کرد نیروهای نظامی ایران شجاع هستند و توانایی خوبی از خود نشان دادند.

وی ادامه داد: این سه موضوع به‌خوبی ترسیم شد و فضای رسانه‌ای دنیا تا حدود ۷۰ درصد در اختیار این جریان قرار گرفت. این جریان آن‌قدر قوی شد که ترامپ اعتراف کرد نیروهای نظامی ایران شجاع هستند و توانایی خوبی از خود نشان دادند. در مقابل، وزیر دفاع آمریکا در برخورد با رسانه‌ها عصبانی بود و از ضعف آن‌ها انتقاد کرد. همچنین روزنامه واشنگتن پست در مقاله‌ای نوشت که با وجود پیش‌تازی آمریکا در حوزه نرم‌افزار و ابزارهای دیجیتال، ایران با وجود کمبود امکانات، دست برتر در جنگ، رسانه‌ای را به دست آورد.

حضرتی تأکید کرد: این‌ها حاصل نشد مگر با زحمات شما و من به شما افتخار می‌کنم. بارها و بارها فوق‌العاده درخشیدید و بخشی از این پازل موفقیت، نتیجه کار شمامست. البته همه در این موفقیت نقش داشتند: خبرنگاران خارجی، شبکه‌ها و تلویزیون‌های خارجی، آزادی‌خواهان، فعالان ضد جنگ، توییت‌های آقای دکتر پزشکیان، آقای دکتر عارف، آقای قالیباف، فعالان شبکه‌های اجتماعی، صدا و سیما و رسانه‌های داخل و خارج و... اما پایگاه اطلاع‌رسانی دولت جایگاه خاص خود را داشت.



به خاطر مردم به اسلام آباد نروید

■ چهار اتحادیه اصلی دانشجویی در نامه ای خطاب به محمداقبر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نوشتند: مذاکره با آمریکا همچنان چیزی جز همان که امام شهیدمان در اول مهرماه ۱۴۰۴ فرمودند نیست: یعنی «بن بست محض» از شما می‌خواهیم حداقل این بار صدای مردم صبور، انقلابی و گله‌مندی را که چهل شبانه روز بی منت در خیابان‌ها حاضر شدند، بشنوید و تا تحقق کامل و تضمین شده شروط به حق مردم به اسلام آباد نروید

متن نامه به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر محمداقبر قالیباف

ریاست محترم هیئت مذاکره‌کننده ایران در مذاکرات اسلام‌آباد

سلام علیکم؛

در ابتدا از زحمات شبانه‌روزی شما و هیئت مذاکره‌کننده در مذاکرات گذشته برای ایستادگی بر سر حقوق ملت ایران تشکر می‌کنیم. این‌طور که به گوش می‌رسد، قرار است طی روزهای آتی هیئت مذاکره‌کننده باری دیگر برای مرحله دوم مذاکرات به اسلام‌آباد برود. اما پیش از اتمام حجت با شما پیرامون مرحله دوم، لازم است نکاتی مهم درباره آنچه تا این لحظه گذشته است یادآوری شود.

دور قبلی مذاکرات به‌خوبی نشان داد که برخلاف روایت غالب برای توجیه تصمیم به آتش‌ریس و مذاکره، و علیرغم عملکرد مناسب در میدان، هنوز به نقطه استیصال غرب برای قبول شروط عزتمندانه ایران نرسیده‌ایم!

اینکه آن‌ها به خود اجازه می‌دهند پس از ۴۰ روز از درگیری حتی سخنی از کیفیت مسئله غنی‌سازی به زبان بیاورند، خود به‌تنهایی گواه این مسئله است: چه رسد به آنکه توقف آن را شرعی برای رسیدن به توافق قرار دهند. اگرچه این امر هیچ تناقضی با باور به پیروزی دلاورمردان نیروهای مسلح ایران و پاسخ‌های خردکننده و سهمگین آنان به استیکار جهانی در ۴۰ روز ابتدایی جنگ ندارد، مسئله آن است که نظام سلطه هنوز تا نقطه‌ای که مجبور به پذیرش شرایط مدنظر ما شود فاصله دارد. درخصوص نظام سلطه جانی و خون‌خوار، این امر اساساً هیچ‌گاه با گفتگو و مذاکره رخ نخواهد داد؛ بلکه ضربات خردکننده در میدان است که آینده ایران را رقم خواهد زد.

از همان ابتدا نیز برای‌مان مانند روز روشن بود که حتی اگر بر فرض در شرایط کنونی توافقی صورت گیرد، ما قطعاً شاهد توافقی مبتنی بر شروط ده‌گانه ایران نخواهیم بود؛ زیرا تفاوت میان شروط ده‌گانه ما و شروط پانزده‌گانه دشمن بسیار است و آن‌ها برای پذیرفتن شکست نیامده‌اند!

تهدید بدون عمل دشمن را تشجیع می‌کند!

اما با آنکه متجاوزان حتی به پذیرش پیش‌شرط‌های ما برای آغاز مذاکرات نیز تن ندارند، نه‌اموال بلوکه‌شده آزاد شد و نه در آن برهه آتش‌ریسی در لبنان برقرار گردید- در اقدامی اشتباه باز هم پای میز مذاکره نشستیم.

کاش حداقل به سخن خودتان مبنی بر بی‌معنی بودن آتش‌ریس و مذاکره بدون تحقق پیش‌شرط‌ها عمل می‌کردید. کاش اگر تصمیم به نشستن پای میز مذاکره داشتید، دست‌کم پیش‌شرطی تعیین نمی‌کردید. کاش حداقل طرف مقابل را تهدید به واکنش نظامی و ترک میز مذاکره نمی‌کردید؛ زیرا بدیهی است آنچه دشمن را تشجیع می‌کند، ارائه تهدیدات نامعتبر است. اگر نتیجه گرفتن در میدان دیپلماسی برای ما اهمیت داشت، نقض آتش‌ریس در لبنان باید به شدیدترین شکل ممکن پاسخ داده می‌شد؛ زیرا این دست‌فرمان تنها قدرت چانه‌زنی پای میز مذاکره را از ما سلب کرده و تصویری تهدیدپذیر از ما به نمایش می‌گذارد.

از سوی دیگر، ما اخبار حمله به پالایشگاه لاوان را نیز از خاطر نبرده‌ایم. اکنون نیز در میانه آتش‌ریس، آسمان کشور بنا به تصریح ریاست محترم‌جمهور به جولانگاه پهپادها و جنگنده‌های دشمن بدل گشته است. شیعیان حزب‌الله لبنان نیز علیرغم تهدیدات دیپلماتیک ما و پیش‌شرط آتش‌ریس، به مدت یک هفته با حملات رژیم صهیونیستی به خاک و خون کشیده شدند که بنا بر اخبار واصله و علیرغم اعلام آتش‌ریس، همچنان نیز ادامه دارد. مردم قهقار باز نیز پس از ناکامی مذاکرات دور اول، تصمیم به محاصره آبی کشور و تنگه هرمز گرفته است؛ تصمیمی که به گفته او حتی پس از بازگشایی رسمی تنگه نیز تداوم خواهد داشت. همچنین اخباری از اراده اسرائیلی‌ها برای ترور اعضای تیم مذاکره‌کننده هنگام بازگشت از اسلام‌آباد به گوش می‌رسد. این موارد، یعنی سلسله‌ای از اتفاقات در میانه آتش‌ریس، هرکدام به‌تنهایی دل‌بلی موجه برای پایان آن و حمله به مواضع نظام سلطه هستند؛ اما به نظر می‌آید خوش‌بینی به دیپلماسی، دست میدان را برای پاسخ مقتضی نظامی بسته است!

دور دوم مذاکرات قرار است چه دستاوردی داشته باشد؟

حال پرسش اصلی این است که پس از تمامی این تجربیات، چرا باید در حالی که رژیم صهیونیستی و آمریکا تاکنون بارها آتش‌ریس را نقض کرده‌اند و به‌خوبی نشان داده‌اند که تمایلی برای توجه به حقوق بدیهی ملت ایران ندارند، مذاکرات وارد دور دوم شود؟

ترامپ در موضع‌گیری‌های توییت‌ری خود به‌صراحت گفته است اورانیوم غنی‌شده را از ایرانی‌ها پس خواهیم گرفت، هیچ پولی به آن‌ها پرداخت نخواهیم کرد و تنگه هرمز دیگر هرگز به روی کسی بسته نخواهد شد؛ سخنی که زیر سؤال بردن حقوق ایران و شروط پایهای آغاز مذاکرات اسلام‌آباد است.

وارثان آناهیتا تا آزمایشگاه نانو



کارگاه های زیرزمینی، حماسه ای از فداکاری و استقامت آفریدی و نشان دادی که پشت جبهه نیز خود یک جبهه است. و سپس در عرصه هنر، صدايت را به گوش جهان رساندی. «سيمین بهبهانی» شدی و با غزل های آتشین و اجتماعی ات، مرزهای شعر فارسی را گستردی. «فرغ فرخزاد» شدی و با نگاهی بی پروا و شاعرانه، پنجره ای تازه به روی ادبیات و سینما گشودی. تو با هنرت ثابت کردی که می توانی جهانی حرف بزنی و در دل هر انسان، فارغ از زبانش، جایی باز کنی. اما حماسه تو تنها به ادبیات و سیاست محدود نماند. در قلمرو علم، با شجاعتی مثال زدنی پیش رفتی. «مریم میرزاخانی» شدی، دختری که با گچ و تخته سیاه، در پیچیده ترین عرصه های ریاضیات جهان کوهنوردی کرد و اوج گرفت تا نشان دهد دختر ایرانی می تواند در صدر دشوارترین رشته های فکری دنیا بایستد. در عرصه پزشکی و فناوری، از نخستین وزیر زن در کابینه پس از انقلاب تا دختران جوان در آزمایشگاه های نانو و هوش مصنوعی، تو در حال شکل دادن به چهره فردا هستی. در میدان ورزش، از سال های محرومیت تا امروز که مدال های جهانی در کاراته، تکواندو و والیبال را به گردن می آویزی، ثابت کرده ای که اراده تو از سخت ترین موانع نیز می گذرد. تو در هر عرصه ای که پا گذاشته ای، نه تنها حضور یافته ای، که درخشیده ای.

آنان که فکر می‌کنند تو «شدنی» هستی، اشتباه می‌کنند. تو همواره «بودای»، مسئله «شدن» نبوده، مسئله، «ظهور» در صحنه‌ای متفاوت» بوده است. امروز هم همین است. تو ناگهان مهندس یا هنرمند نشدی. تو فقط صحنه را عوض کردی. از سنگنبشته به خط کد. از حجره به استودیو. از دربار به فضای مجازی. صحنه عوض شده، اما بازیگر همان است دختری با یک نقش نامتعارف. تو وارث آناهیتایی، ایزدبانوی آبهای زلال و زاینده. میراث تو، صورتی سطی و مصرفی نیست؛ بلکه آن جریان عمیق، شفاف و نیرومندی است که کوه را می‌شکافد و بیابان را سیراب می‌کند. این هدیه راستین توست نیروی آفرینش، پاکی در نیت، و توانایی نرم و پیوسته‌ای که هیچ مانعی را به رسمیت نمی‌شناسد. پس نگذار هیچ کادوی بازاری، این

روزی که نام مبارک حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) بر تارک آن می درخشد، تنها یک یادبود تقویمی نیست. این روز، نماد پیوندی ناگسستنی است. پیوند میان قداست یک بانوی آسمانی و تاثیر زمینی ای که دختران این سرزمین، در هر دوره از خود به جا گذاشته اند. این روز، دروازه ای است به سوی روڤخانه ای عظیم و خروشان از تاریخ، تلاش و شکوه؛ رودی که از اعماق اسطوره ها سرچشمه می گیرد، از دل قرن ها می گذرد و امروز، در وجود هر دختر ایرانی، به سوی آینده ای پهناور جریان دارد. این روایت، داستان توست؛ داستان دختری که نه یک آغاز دارد و نه یک پایان، که همواره بوده و خواهد بود.

اگر برگ های کهن تاریخ را ورق بزنیم، نخستین ردپاهای تو را در جهان اسطوره می یابیم. تو در قامت «آناهیتا»، ایزدبانوی آب های پاک و زاینده، تجلی یافته ای. نمادی از زندگی بخشی، پاکی و آن جریان نرم و پیوسته ای که می تواند کوه را نیز درنوردد. این تصویر اساطیری، در صفحات واقعی تاریخ نیز تکرار می شود. تو همان روحیه «آرتیمیس» را داری، نخستین فرمانده دریایی شناخته شده که در دوران هخامنشیان، امواج خلیج فارس را با اراده ای آهنین رام کرد و نشان داد که قلمرو اقتدار یک زن می تواند فراسوی خشکی باشد. و در روزگار آشوب و فروپاشی ساسانیان، تو «پوراندخت» شدی؛ زنی که تاج شاهی بر سر نهاد تا نظم را به سرزمینی آشفته بازگرداند و ثابت کرد که صلابت و تدبیر، ویژگی یک جنسیت نیست. این نخستین فصل از حماسه توست زنی که هم زمان، هم نرمی و زاینده گی آب را دارد، هم صلابت و فرماندهی کوه را. این توانایی ذاتی در ایفای نقش های چندانگانه، راز ماندگاری تو در گذر سهमेگن تاریخ بوده است.

با طلوع خورشید اسلام بر این سرزمین، رنگ و بوی دیگری به این حماسه افزوده شد. حضرت معصومه (س) در شهر قم، نه فقط به عنوان یک بانوی مقدس، که به عنوان نماد «علم اندوزی» و «سفر برای دانش» آرام گرفت و مسیری را نشان داد که آموختن، خود می تواند مقصدی مقدس باشد. قرن ها بعد، این چراغ دانش و بیان، در دستان «پروین اعتصامی» درخشید. دختری که در حجره ای محقر، شعری سرود که از جان برمی خاست و به دادخواهی از محرومان تبدیل شد. او ثابت کرد که قلم، وقتی از عمق دل برخیزد، سلاخی بی همتا برای شکافتن دیوارهای ستم و نادانی است امروز، قلم تو ممکن است کلیدهای یک کیبورد باشد، نوری بر پردهی سینما باشد، یا طرحی بر بوم باشد. مسئولیت تو، بیان حقیقت و روایت انسانیّت است. صدايت را به زیبایی و صلابت بلند کن.

هم زمان، در پشت دیوارهای بلند دربار قاجار، زنانی روشن اندیش مانند «تاج السلطنه» را به دست گرفتند و در خاطرات خود، ناملایمات و آرزوهای زنانه را به رشته تحریر درآوردند. آنان پیش قرواولان خاموش جنبشی بودند که بعدها صدايتش بلند شد. در این دوره، تو یاد گرفتی که گاهی، نوشتن در سکوت، انقلابی بزرگ تر از شمشیر کشیدن در میدان است. قرن بیستم آمد و با خود، عرصه های تازه ای گشود. تو دیگر نه در حجره و نه در حرم، که در متن جامعه ظاهر شدی. در جنبش مشروطه، در پشت صحنه و گاه در میانه میدان، در بنیان گذاری نخستین مدارس دخترانه نقش آفریدی. در روزهای سخت جنگ جهانی و اشغال کشور، در خط مقدم پشتیبانی، در بیمارستان های صحرایی و

■ در سال‌های اخیر یک تکنیک جدید ارتباطی و رسانه‌ای بنام Gallop گیش گلوب به وجود آمده؛ شیوه‌ای که در آن یک فرد با سرعت بالا و بدون مکث، مجموعه‌ای از ادعاهای بزرگ و عجیب، متناقض، راست و دروغ را در هم آمیخته و بی‌دربی مطرح می‌کند. این تکنیک، که هدف آن ایجاد ازدحام ادراکی و برهم زدن تمرکز طرف مقابل است، فرصت پاسخ‌گویی منطقی را از رقیب می‌گیرد. در چنین وضعی، حتی اگر یک ادعا قابل پاسخ‌گویی باشد، اثباتش پیایی ادعاهای تازه، رقیب را در موضع بهت، سردرگمی و ناتوانی در پردازش قرار می‌دهد.

این اصطلاح نخستین‌بار توسط اورنشین گیش (Duane Gish)، زیست‌شناس خلقت‌گرا، شناخته شد که در مناظره‌هایش با دانشمندان تکامل، حجم انبوهی از ادعاهای علمی و شبه‌علمی را به‌سرعت مطرح می‌کرد تا رقیب در پاسخ‌گویی درمانده شود. از آن پس این روش در تحلیل مناظره‌های سیاسی و رسانه‌ای نیز کاربرد پیدا کرد. در عرصه سیاست و رسانه، از این تکنیک برای «هندسی افکار» و «ایجاد تردید جمعی» استفاده می‌شود. در چنین مواردی، هدف اصلی نه انتقال حقیقت بلکه اشباع ذهن مخاطب از ادعاهایی است که او دیگر توان یا انگیزه بررسی صحتشان را ندارد.

در جنگ تحمیلی اخیر آمریکا و اسرائیل با ایران، ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا قبلا در موارد متعدد از جمله در خود آمریکا در مواجهه سیاسی انتخاباتی با رقبایش، از این تکنیک استفاده کرده و توانسته قدرت درک و پاسخ حریفش را مختل کند. در فضای امروز نیز او دقیقا از همین الگو بهره می‌برد؛ به‌ویژه در دوره‌ای که آتش‌بس برقرار است. حالا در جین آتش بس، او همین تاکتیک ناجوانمردانه را دربریش گرفته است. پشت سر هم حرف می‌زنند، دروغ های بزرگ می گوید، گاهی یک کلمه تمجید می کند، گاهی تهدید های شدید می کند. پرسش اساسی اینجاست: در برابر چنین سیلی از ادعاها، ایران تا چه اندازه باید وارد پاسخ‌گویی شود؟ و آیا پاسخ‌های آنان در رسانه‌های جهانی با همان شدت و وزن بازتاب می‌یابد؟ حتی رسانه‌های داخلی نیز گاهی پاسخ‌ها را دقیق، هوشمندانه یا در زمان مناسب بازنمای نمی‌کنند؛ و نتیجه این می‌شود که مردم با حجم انبوهی از اطلاعات نامتقح و ادعاهای بزرگ مواجه می‌شوند، بدون آنکه امکان تشخیص آسان درستی و نادرستی آن‌ها را داشته باشند.

از آغاز درگیری، ترامپ بارها ادعا کرد که ایران در جنگ شکست خورده و تمام توان نظامی‌اش نابود شده است. پس از آن نیز این نوع گزارش‌ها به‌طور مکرر از سوی او تکرار شد تا جایی که با مطرح شدن بحث آتش‌بس، باز هم ادعا کرد ایران خواستار آتش‌بس بوده است؛ در حالی‌که بنا بر گزارش‌ها، درخواست آتش‌بس از ابتدا از سوی آمریکا مطرح شده بود. اکنون که آتش‌بس برقرار شده و ایران شرایطی را برای آن تعیین کرده و آمریکا و اسرائیل نیز متعهد به آن شده‌اند، ترامپ همچنان درباره مفاد آتش‌بس سخنان نادرست بیان می‌کند.

در این دوره، او چند ادعای بزرگ مطرح کرده که آقای قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، آن‌ها را رد کرده است. ترامپ مدعی شده که آمریکا در جنگ پیروز شده، تنگه هرمز به دست او باز شده،

مختل کردن ادراک شناختی بادروغ‌های پی‌درپی



یک روند دیپلماتیک نتیجه‌محور است آمریکا ممکن است از دیپلماسی برای فرسایشی کردن دیپلماسی و طراحی یک تهاجم جدید استفاده کند که ایران برای پاسخ قوی به آن آمادگی دارد.

با این تفاسیر و با این حجم از انواع خبرهای راست و دروغ، مردم با سلايق گوناگون سیاسی، در این جنگ رسانه ای نابرابر، گوششان پر می شود از حرف های بزرگ که راست و دروغش قابل تشخیص نیست، پس چه کنیم؟ راهکار موثر، همان است که رهبر معظم انقلاب، فرمودند: مراقبت از گوشه‌پایمان که پنجره مغز و قلب است در مقابل رسانه‌های تحت حمایت دشمن یا همسوی با ایشان امری لازم است. اقلا با سوء ظن فراوان با هر چیزی که ارائه می دهند برخورد کنیم. مردم باید به این واقعیت برسند که ترامپ برای کسب آنچه در ذهن دارد، از گفتن هیچ دروغ و تهمت و حرف زشت و و کیک ابایی ندارد و این مخصوص ایران و این جنگ هم نیست، پس به آنچه تیم مذاکره کننده خودمان می گویند، اعتماد کنیم تا بتوانند در جبهه سنگین مذاکرات با بدعهد ترین حاکم تاریخ جهان، موفق شوند. در مجموع، روند این رخدها نشان می‌دهد که بخش مهمی از چالش امروز، نه صرفاً میدان سیاست یا مذاکرات، بلکه مدیریت ادراک عمومی در برابر حجم عظیم ادعاهای نادقیق است. آگاهی مردم، تقویت سواد رسانه‌ای، و اعتماد به گزارش‌های دقیق و رسمی می‌تواند سپری باشد در برابر فشار روانی و تبلیغاتی که بر ذهن و احساسات جامعه وارد می‌شود.



روایت بانوی پیام، حضرت معصومه (س)

■ تبیین جایگاه حضرت فاطمه معصومه (س) در تاریخ اسلام، مستلزم عبور از لایه‌های صرفاً توصیفی و ورود به ساحت تحلیل‌های کلان تمدنی است. بر اساس مستندات تاریخی، ایشان نه تنها یک پناهگاه معنوی، بلکه یک دانشمند کنشگر و مهاجر مجاهد بودند که با هجرت تاریخی خود در سال ۲۰۱ هجری قمری، جغرافیای سیاسی جهان اسلام را دستخوش تغییری بنیادین کردند. سیره ایشان عالی‌ترین تراز برای بازخوانی هویت دخترانی است که در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، نقش معمار و پیشران را بر عهده دارند.

رکن اول: اعتبار علمی و مرجعیت نخبگانی در عصر خفقان شخصیت علمی حضرت معصومه (س) ریشه در روایاتی دارد که بر فراست و دانش لدنی ایشان تأکید می‌کنند. یکی از مستندترین وقایع در این زمینه، گزارشی است که در منابع روایی ذکر شده و ناظر بر ایامی است که جمعی از شیعیان برای طرح پرسش‌های خود به مدینه آمدند و در غیاب امام موسی کاظم (ع)، حضرت فاطمه معصومه (س) که در سنین نوجوانی بودند پاسخ‌های دقیق و فقهی را مکتوب کردند. هنگام بازگشت، امام کاظم (ع) با دیدن پاسخ‌ها، جمله تاریخی فداها ابوها را در حق ایشان به کار بردند؛ جمله‌ای که پیش‌تر پیامبر اکرم (ص) در حق حضرت زهرا (س) فرموده بودند. این رخداد نشان‌دهنده آن است که ایشان در نظام تشکیلاتی امامت، دارای جایگاه نخبگانی و مرجعیت علمی بوده‌اند. این کنشگری علمی ثابت می‌کند که دختر در مکتب وحی، از استقلال فکری و توانمندی تخصصی برخوردار است و می‌تواند در غیاب امام، نقش هدایت‌گری جامعه را ایفا کند.

رکن دوم: هجرت به مثابه یک پروژه استراتژیک برای تغییر موازنه قدرت هجرت ایشان از مدینه به سمت مرو را نباید یک سفر خانوادگی قلمداد کرد. در متون تاریخی همچون تاریخ قم نوشته حسن بن محمد قمی، به وضوح دیده می‌شود که این حرکت در شرایطی صورت گرفت که دستگاه خلافت عباسی درصدد بود با انتقال اجباری امام رضا (ع) به مرو، ارتباط ایشان را با بدنه اجتماعی تشیع قطع کند. حضرت معصومه (س) با همراهی کاروانی از برادران و برادرزادگان، یک حرکت علمیه جهان اسلام را آغاز کردند که در واقع، امتداد حرکت حضرت زینب (س) پس از واقعه عاشورا بود. این هجرت، یک رسانه زنده برای افشای ماهیت فریبکارانه سیاست‌های مأمون عباسی و تثبیت جایگاه ولایت در قلب ایران بود. ایشان با انتخاب مسیرهای پرتردد، پیام مظلومیت و حقانیت امامت را به گوش آحاد مردم رساندند.

رکن سوم: تأسیس هاب رسانه‌ای و پایگاه معرفتی در قم و ورود حضرت معصومه (س) به این شهر و استقرار ایشان در بیت‌النور، این شهر را از یک کانون محلی پیروان اهل‌بیت به یک مرکز ثقل جهانی تبدیل کرد. پیش از ایشان، خاندان اشعری در قم ساکن بودند، اما حضور این بانوی مکرمه به مثابه یک آهن‌ربای معرفتی، سیل مهاجرت دانشمندان و محدثان را به این منطقه روانه کرد. بر اساس مستندات موجود در کتاب بحارالانوار، ائمه هدی (ع) پیش از تولد ایشان، قم را حرم اهل‌بیت نامیده بودند. این انتساب نشان‌دهنده یک پیش‌بینی راهبردی است که در آن، حضرت معصومه (س) مأموریت داشتند تا زیرساخت‌های لازم برای شکل‌گیری بزرگ‌ترین حوزه علمیه جهان اسلام را فراهم کنند. از منظر رسانه‌ای، حضور ایشان باعث شد که قم به مرکز تولید معارف ناب شیعی تبدیل شود و صدای تشیع از این نقطه به دورترین نقاط جهان مخابره گردد.

رکن چهارم: هویت‌بخشی به تشیع و تثبیت جایگاه زن در تمدن‌سازبان‌گذاری ایشان بر جایگاه شیعیان به طور عام، ایجاد یک نقطه اتصال میان ملت‌های مختلف تحت لوای ولایت بود. وجود مزار مطهر ایشان در قم، این شهر را به مأمن و ملجأ شیعیان جهان تبدیل کرد و به هویت شیعی، یک عنینت جغرافیایی و اقتدار مکانی بخشید. در طول تاریخ، همین کانون معرفتی بود که توانست در برابر تهاجم‌های فرهنگی و نظامی ایستادگی کند. از سوی دیگر، سیره ایشان به زنان جامعه آموت می‌توان در اوج حیا و معنویت، در پیچیده‌ترین جریانات سیاسی دخالت کرد و با هوشمندی، مسیر تاریخ را تغییر داد. این اقتدار معنوی، مدلی از زن را ارائه داد که نه در حاشیه، بلکه در متن تصمیم‌سازی‌های کلان الهی قرار دارد.

رکن پنجم: افق تمدنی و رسالت نوین در عصر مقاومتامروز در آغاز فصلی نو از تمدن‌سازی تحت رهبری حکیمانه حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه ای (مدظله العالی)، بازخوانی این الگو ضرورتی مضاعف دارد. دختران امروز ایران، معماران تمدنی هستند که ریشه‌هایش در قم ایباری شده و شاخه‌های ثمرده آن در خط مقدم مقاومت، از غزه تا لبنان، به بار نشسته است. این نسل با تکیه بر عزت و بصیرت سیاسی بانو، در حال پی‌ریزی تمدنی هستند که با روایت‌گری صحیح از جایگاه زن، جهان را برای ظهور منتهی بزرگ آماده می‌سازد.

«وعده صادق» چگونه ملت‌های عربی را بیدار کرد؟



بعد از آغاز جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران با همکاری متحدان آمریکا در منطقه خلیج فارس، با وجود مواضع خائنانه‌ای که حکام عربی در حمایت از متجاوزان اتخاذ کرده بودند، اما ملت‌های عربی اغلب مواضع متفاوتی داشتند و افکار عمومی عربی به‌نفع ایران بود؛ به‌گونه‌ای که مراکز تحقیقاتی غربی را گیج کرد و حتی برخی از شبکه‌های تلویزیونی خلیج فارس را واداشت تا آشکارا ملت‌های عربی را به‌دلیل حمایت از حملات ایران به پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای عربی سرزنش کنند.

در این زمینه «سید شبل» نویسنده و تحلیلگر عرب‌زبان در مقاله‌ای به بررسی افکار عموم عربی در جنگ علیه ایران پرداخته نوشت: در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی شدیدترین حمله هوایی را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند، اما این تجاوز نظامی با واکنش قوی ایران مواجه شد که در پرتاب صدها موشک و پهپاد به عمق فلسطین اشغالی و پایگاه‌های آمریکایی در منطقه تجلی یافت.

همچنین، ایران در این جنگ به «سلاح روایت» نیز متکی بود که توانست هرگونه خسارت مادی احتمالی را به «سنگر شجاعت» تبدیل کند که وجدان جمعی مردم منطقه از جمله ملت‌های عربی را نیز فرا گرفت.

در حالی که جنگنده‌های آمریکایی و اسرائیلی کودکان را در ایران بمباران می‌کردند و تلاش می‌کردند یک تجربه انقلابی ۴۷ساله را تخریب کنند، تصاویر موشک‌های بالستیک ساخت داخل ایران و سپس بستن تنگه هرمز، نبرد را به زمینه‌های دیگری کشاند. در آن زمان، دیوار سکوت در خیابان‌های عربی شروع به ترک خوردن کرد و نقشه‌های نفوذ به‌دور از محاسبات رسمی رژیم‌های عربی که موضعشان بین همدستی، کمک به متجاوزان یا سکوت مطلق در نوسان بود، دوباره ترسیم شد.

در بنبوجه این تحول، طبیعی بود که یک واقعیت سیاسی متفاوت در سطح مردمی شکل بگیرد، که در آن ایران به‌عنوان تنها مقاومت‌کننده مقابل مستکبران و متجاوزان در نظر بخش‌های وسیعی از مردم منطقه و حتی جهان، با وجود هزینه‌های گزافی که متحمل شد، به صحنه آمد.

شکست آمریکا و اسرائیل در فریب افکار عمومی عربی در جنگ با ایران

این جنگ به‌وضوح شکاف عمیقی را بین آنچه قدرت‌های بزرگ و متحدانشان برای کمپین‌های «هرمین‌سازی» و پروپاگاندا هزینه می‌کنند و واقعیت آنچه در آگاهی ملت‌های عربی رسوب می‌کند، آشکار کرد. با وجود اختصاص صدها میلیون دلار توسط رژیم اشغالگر در سال ۲۰۲۶ برای تأمین مالی کمپین‌های رسانه‌ای دیجیتال و اینفلوئنسرها در پلت‌فرم‌های رسانه‌های اجتماعی



نشانه‌های سقوط اسرائیل در جامعه آمریکا

■ رأی‌گیری اخیر در سنای آمریکا، که در آن اکثریت قاطع دموکرات‌ها علیه تأمین تجهیزات نظامی حساس برای اسرائیل رأی دادند، نشان‌دهنده کاهش بی‌سابقه جایگاه این رژیم در ایالات متحده در سایه جنگی که اسرائیل، آمریکا را به آن کشاند و با پیامدهای منفی بی شماری برای این کشور همراه بود، است.

مخالفت گسترده دموکرات‌ها با حمایت نظامی آمریکا از اسرائیل

اینکه ۴۰ نفر از ۴۷ سناتور دموکرات علیه تأمین بولدوزر برای ارتش اسرائیل رأی دهند، و ۳۶ نفر از ۴۷ نفر علیه تأمین بمب برای آن رأی دهند، و هیچ عضو دموکراتی که قصد نامزدی برای ریاست جمهوری را دارد، به نفع تأمین سلاح برای اسرائیل رأی ندهد، اینها داده‌هایی نیستند که بتوان با آنها به عنوان یک رویداد منفرد یا یک وضعیت سیاسی موقت برخورد کرد، بلکه اینها نشان‌دهنده تغییری در فضای سیاسی آمریکا و قرار دادن اسرائیل در برابر بازنگری بی‌سابقه در میان مهمترین متحدانش است.

ناظران امور تأکید دارند که این تحول را نمی‌توان از بستر گسترده‌تری که طی دو سال اخیر شکل گرفته است، جدا کرد؛ یعنی پس از جنگ غزه، و اخیراً پس از جنگ با ایران، و تشدید تنش‌های اسرائیل و رویارویی با حزب‌الله در لبنان، و آنچه که همراه با آن از تصاویر گسترده ویرانی و جنایات علیه غیرنظامیان، و افشای رسوایی اخلاقی و رسانه‌ای بی‌سابقه روایت اسرائیل رخ داد.

به طور کلی امروز رژیم صهیونیستی وارد مرحله جدیدی شده است که دیگر نمی‌تواند خود را با قفتمان قدیمی در غرب به طور کلی، و حتی در نهادهای سیاسی آمریکا که همواره خط دفاع اول آن را تشکیل می‌دادند، به جهان معرفی کند. اکنون سؤال بزرگی که در آمریکا مطرح و تکرار می‌شود این است که: چرا ما به خاطر رضایت اسرائیل وارد جنگ می‌شویم؟ و چه چیزی از آن به دست خواهیم آورد؟ پیش از این، حمایت آمریکا از اسرائیل از اجماع، یا شبه اجماع، به ویژه در کنگره برخوردار بود؛ جایی که هرگونه تلاش برای انتقاد از حمایت نظامی از اسرائیل، با انزوای سیاسی، و شاید پایان زندگی سیاسی طرف‌های منتقد، مواجه می‌شد. اما امروز، شرایط تغییر کرده و مواضع دگرگون شده است، و آنچه شاهد آن هستیم، شکستن این تابوی تاریخی است.

رأی دادن این تعداد زیاد از اعضای دموکرات سنا علیه تأمین بولدوزر و بمب برای اسرائیل به این معنی است که اسرائیل دیگر جایگاه سابق را در آمریکا ندارد، و هزینه حمایت از آن بیشتر از هزینه بازنگری در این حمایت شده است.

مهمتر از آن، خودداری هر دموکراتی که قصد نامزدی برای



وعده‌ارمنستان برای صادرات به جمهوری آذربایجان

■ «واهان کوستانیان»، معاون وزیر امور خارجه جمهوری ارمنستان، با حضور در نشست تخصصی «قفقاز جنوبی: قطب راهبردی در حال ظهور» که در حاشیه مجمع دیپلماسی آناتلیا برگزار شد، اظهارات مهمی را پیرامون آینده روابط ایران و باکو بیان کرد.

وی در این پتل تخصصی با تأکید بر اهمیت ثبات منطقه‌ای، صراحتاً اعلام کرد که برقراری صلح پایدار میان ایران و باکو، مهم‌ترین و اصلی‌ترین تضمین برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی هر دو کشور (ارمنستان و جمهوری آذربایجان) به شمار می‌رود.

معاون دستگاه دیپلماسی ارمنستان در ادامه سخنان خود به تحولات دیپلماتیک اخیر اشاره کرد و یادآور شد: «رویداد تاریخی که در تاریخ ۸ آگوست در واشنگتن به وقوع پیوست، نه تنها برای ارمنستان و جمهوری آذربایجان، بلکه برای کل منطقه راهبردی قفقاز جنوبی، از جمله برای کشورهای گرجستان و ترکیه نیز به یک نقطه عطف و تحول بنیادین تبدیل خواهد شد».

این اظهارات نشان‌دهنده امیدواری مقامات ایران به تثبیت توافقاتی است که با میانجی‌گری‌های بین‌المللی حاصل شده و می‌تواند ساختار امنیتی و سیاسی قفقاز را وارد مرحله جدیدی کند. توافقی ۸ آگوست واشنگتن که به عنوان مبنایی برای عادی‌سازی روابط معرفی شده، حاصل ماه‌ها مذاکره فشرده دیپلماتیک است؛ روندی که احتمالاً به دهه‌ها خصوصت در این پهنه جغرافیایی پایان دهد، گشایش مسیرهای مواصلاتی؛ حلقه وصل اروپا و آسیا

کوستانیان با اشاره به چالش‌های پیش‌روی روند صلح خاطر نشان ساخت: «همان‌طور که دستیابی به توافق صلح نیازمند شجاعت سیاسی و اتخاذ تصمیمات دشوار و سرنوشت‌ساز بود، اکنون نیز ما باید با اراده‌ای راسخ به سمت اتخاذ تصمیمات سیاسی جدید و بسیار حائز اهمیت در راستای بازگشایی خطوط مواصلاتی و ارتباطی در منطقه گام برداریم.»

وی در تشریح چشم‌انداز ترانزیتی منطقه افزود: «با ایجاد وابستگی متقابل و پیوندهای تکمیلی میان کشورهایمان، می‌توانیم قفقاز را به یک پل ارتباطی مستحکم و مسیر ترانزیتی بدون مانع برای اتصال قاره اروپا، آسیای مرکزی و خاور دور تبدیل کنیم.» اظهارات دیپلمات ارشد ارمنستانی در خصوص تبدیل شدن به پل ارتباطی میان شرق و غرب، در واقع بازتابی از طرح کلان دولت ایران موسوم به «چهارراه صلح» است. دولت ارمنستان در تلاش است تا



اشاره صریح معاون وزیر خارجه ارمنستان به مشارکت آمریکا در پروژه‌های انرژی این کشور، حساسیت‌هایی را در خصوص تشدید حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی برانگیخته است. پروژه TRIPP با هدف ادعایی کاهش وابستگی ارمنستان به منابع انرژی سنتی و تنوع‌بخشیدن به سبد انرژی این کشور مطرح شده است، با این وجود، ورود غرب و به ویژه آمریکا به زیرساخت‌های حیاتی کشورهای قفقاز، عملاً با ایده «حل و فصل منطقه‌ای بحران‌ها» در قالب پلنفرم‌های درون‌منطقه‌ای در تضاد است و می‌تواند معماری امنیتی در حال شکل‌گیری را با چالش‌های تازه‌ای مواجه سازد.

شایان ذکر است که در این پتل تخصصی و راهبردی که در مجمع دیپلماسی آناتلیا برگزار شد، چهره‌های کلیدی دیپلماسی کشورهای منطقه حضور داشتند. علاوه بر واهان کوستانیان به عنوان نماینده ارمنستان، «حکمت حاجی‌اف» دستیار رئیس‌جمهور آذربایجان در امور سیاست خارجی، «لوان ژورژولیانی» رئیس دفتر نهاد نخست‌وزیری دولت گرجستان، و «عاکف غاغاتای کلیچ» مشاور ارشد رئیس‌جمهور ترکیه در امور سیاست خارجی و امنیت ملی نیز در این نشست به بحث و تبادل نظر پیرامون آینده قفقاز پرداختند.



دیپلماسی آمریکادرقبال ایران

■ آمریکا و رژیم صهیونیستی همزمان در ۲۸فوریه (۹ اسفند) تجاوز نظامی علیه ایران را آغاز کردند که طی آن بیت رهبری، مراکز هسته‌ای، نظامی و غیرنظامی در سراسر کشورمان هدف قرار گرفت. این اقدام با پاسخ فوری و مستمر نیروهای مسلح ایران علیه منافع آمریکا و رژیم‌صهیونیستی در منطقه مواجه شد. در نتیجه این جنگ، حداقل سه هزار و ۳۷۵ نفر شهید شدند که بخش قابل توجهی از آنها را غیرنظامیان تشکیل می‌دهند.

پس از هفته‌ها درگیری، یک آتش‌بس شکننده دو هفته‌ای با میانجی‌گری پاکستان برقرار شد که از ۱۰ آوریل اجرایی شد و تهران آن را بر اساس چارچوب صلح ۱۰ بندی خود «پیروزی ایران» توصیف کرد، با این حال، مذاکرات مستقیم بعدی در اسلام‌آباد میان هیأت‌های ایرانی و آمریکایی به ریاست جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، و محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران، پس از ۲۱ ساعت در ۱۲ آوریل بدون دستیابی به توافق صلح پایان یافت. منابع ایرانی «خواسته‌های بیش از حد» واشنگتن درباره تگه هرمز و برنامه هسته‌ای ایران را عامل اصلی اختلافات عنوان کردند.

برای روشن‌تر شدن ابعاد این جنگ، خبرگزاری مهر با «جولیو چینایی»، تحلیلگر سیاسی ایتالیایی و پژوهشگر مرکز مطالعات مدیترانه و اوراسیا(CeSEM)، گفت‌وگو کرده است.

متن کامل این گفتگو در ادامه می‌آید:

گزارش‌های مستندی از حملات گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی به مناطق مسکونی و مراکز درمانی منتشر شده است. به‌ویژه حمله هوایی به مدرسه ابتدایی «شجره طیبه» در میناب که به کشته شدن بیش از ۱۶۰ نفر، عمدتاً کودکان، انجامید. از منظر حقوق بین‌الملل، جامعه جهانی و نهادهایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی چگونه باید ادعای غیرقانونی بودن چنین حملاتی را در چارچوب الگوی گسترده‌تر حملات به اهداف غیرنظامی، از جمله سایت‌های متعدد ثبت‌شده میراث فرهنگی ارزیابی کنند؟

حمله به مدرسه میناب نباید به‌عنوان یک «خطای» منفرد و جدا از سایر موارد ارزیابی شود. این حمله به‌شدت تکان‌دهنده بوده و بیشتر قربانیان دختران دانش‌آموز ۷ تا ۱۲ ساله بوده‌اند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر نیز این حمله را بخشی از یک درگیری مسلحانه گسترده‌تر دانسته که در آن مدارس، مراکز درمانی، منازل و دیگر اهداف غیرنظامی مورد حمله قرار گرفته‌اند.

از منظر حقوق بین‌الملل، وقتی چنین حادثه‌ای در چارچوب یک الگوی گسترده از حملات به اهداف غیرنظامی قرار می‌گیرد، پرسش‌های اصلی حقوقی به اصول تفکیک، تناسب، اتخاذ تدابیر احتیاطی ممکن و مسئولیت فرماندهی مربوط می‌شود، نه صرفاً اینکه آیا می‌توان یک حمله را پس از وقوع «اشتباه» نامید یا خیر. استدلال «خطا» پایان بررسی نیست، بلکه آغاز بررسی عمیق‌تری درباره فرآیند هدف‌گیری، اطلاعات مورد استفاده، میزان قابل پیش‌بینی بودن تلفات غیرنظامی و اینکه آیا مقامات ارشد نظامی یا غیرنظامی به‌طور عمدی یا با بی‌احتیاطی عمل کرده‌اند، محسوب می‌شود.

این موضوع درباره حملات به میراث فرهنگی نیز صدق می‌کند؛ یونسکو اعلام کرده چهار سایت میراث جهانی ایران در جریان جنگ آسیب دیده‌اند و اساسنامه رم، حملات عمدی به اماکن آموزشی، مذهبی، هنری، علمی یا بناهای تاریخی را می‌تواند در زمره جنایات جنگی قرار دهد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به‌طور علنی تهدید کرده بود که «یک تمدن کامل نابود خواهد شد» و ائتلاف نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز هدف قرار دادن پل‌ها، نیروگاه‌ها و خطوط راه‌آهن را تأیید کرده است. هنگامی که یک مقام ارشد آمریکایی از نابودی یک تمدن کهن سخن می‌گوید و هم‌زمان زیرساخت‌های حیاتی برای بقای غیرنظامییان به‌صورت سیستماتیک تخریب می‌شود، این گفتار و اقدامات چگونه معیست‌های کنوانسیون‌های ژنو درباره مجازات جمعی و حمله به زیرساخت های ضروری برای حیات غیرنظامیان را تضعیف می‌کند؟

اظهارات ترامپ مبنی بر اینکه «یک تمدن کامل امشب نابود خواهد شد» در کنار تهدیدهای دیگر او علیه پل‌ها و نیروگاه‌ها، از نظر حقوقی و سیاسی بی‌طرفانه نیست. دیده‌بان حقوق بشر اشاره می‌کند که اظهارات مقامات ارشد به‌خودی‌خود الزاما جنایت جنگی محسوب نمی‌شود، اما می‌تواند در صورت وقوع حملات غیرقانونی، شواهد مهمی از قصد مجرمانه باشد. همچنین این سازمان تأکید دارد که در صورت وجود ارتباط کافی میان اظهارات و اقدامات بعدی، مقامات ممکن است به دلیل صدور دستور، تحریک یا ترغیب به ارتکاب جرم تحت پیگرد قرار گیرند.

حتی برخی کارشناسان حقوقی غربی هشدار داده‌اند که تهدیدهای گسترده ترامپ علیه زیرساخت‌هایی مانند پل‌ها و نیروگاه‌ها می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد، زیرا این تأسیسات اصولاً ماهیت غیرنظامی دارند مگر اینکه برای اهداف نظامی مشخص مورد استفاده قرار گیرند. در این چارچوب، گفت‌مان نابودی تمدن و تخریب سیستماتیک زیرساخت‌های حیاتی، منطق حمایتی کنوانسیون‌های ژنو را تضعیف کرده و عملاً مجازات یک جمعیت غیرنظامی کامل را عادی‌سازی می‌کند:

تلاش سیمبانان امید را در دل مردم زنده نگه داشت



(سختگوی صنعت برق کشور)، محمد الهداد سرپرست توانیر و تمامی فعالان و مدیران این عرصه ابراز داشت. بومی‌سازی دانش صنعت برق؛ دستاوردی بزرگ برای کشور یکی از محورهای اصلی سخنان سختگوی دولت، تاکید بر اهمیت خودکفایی و بومی‌سازی فناوری‌ها بود. وی با تحسین مهندسان داخلی خاطرنشان کرد: از اینکه دانش صنعت برق را بومی کردید و با تکیه بر توانمندی‌های داخلی، دانشگاهیان، مهندسین و جوانان خودمان این زیرساخت‌ها را ایجاد نمودید، بسیار سپاسگزارم. بسیاری از کشورها این فناوری‌ها را در اختیار دارند اما تمام آن را وارد می‌کنند، نکته مهم و دستاورد بزرگ این است که شما توانستید این فناوری‌ها را بومی‌سازی کنید که واقعا جای خداقوت ویژه دارد.

حمایت دولت از ثبت رسمی «روز ملی صنعت برق» در تقویم مهاجرانی در بخش دیگری از سخنان خود، به اهمیت کار سیمبانان و سختی‌های پنهان این شغل اشاره کرد و گفت: سیمبانان الحق و الانصاف زحمات وافری می‌کشند که فراتر از حد تصور کسانی است که تنها بهره‌بردار این انرژی هستند. ما به عنوان مصرف‌کننده معمولاً درک نمی‌کنیم که پشت این جریان چه زحماتی کشیده شده است.

وی در پاسخ به درخواست مطرح شده مبنی بر ثبت رسمی روز

فاطمه مهاجرانی، سختگوی دولت چهاردهم، در «روز جهانی سیمبان» با حضور در شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ، ضمن بازدید از زیرساخت‌های این مجموعه، از زحمات شبانه‌روزی تکنسین‌ها و مهندسان صنعت برق کشور تقدیر کرد و از رضایت‌مندی عمومی در پی خنثی‌سازی هزاران حمله به زیرساخت‌های انرژی خبر داد. سختگوی دولت چهاردهم در ادامه بازدیدهای میدانی خود، روز یکشنبه (۳۰ فروردین ۱۴۰۵) با حضور در شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ، از ناوگان خودرویی و لجستیک این شرکت و همچنین مرکز پایش و رصدخانه (دیسپاچینگ) برق و انرژی شهر تهران بازدید به عمل آورد.

وی در این برنامه که به صورت برخط (آنلاین) با ۲۲ منطقه پستی برق کشور در ارتباط بود، در مراسم تقدیر از سیمبانان صنعت برق شرکت کرد.

پاسداران نور و افتتاح ۱۴۰۵مین پست برق در سال ۱۴۰۵ فاطمه مهاجرانی در ابتدای سخنان خود ضمن ادای احترام به ساحت تمامی شهیدان، از رهبر شهید تا شهدای صنعت برق، یاد و خاطره دو بانوی بزرگوار صنعت برق که در جنگ تحمیلی دوم و سوم جان خود را تقدیم انقلاب و مردم کردند، گرامی داشت.

وی با اشاره به تقارن معنادار سال جاری با دستاوردهای زیرساختی اعلام کرد: امیدوار هستم که این هزار و چهارصد و پنجمین (۱۴۰۵) پستی که در سال ۱۴۰۵ افتتاح شد، با خیر و برکت مورد استفاده مردم عزیزمان قرار بگیرد.

شایان ذکر است این پست به نام شهیده مژده زندی نسب (رییس گروه فنی برنامه و بودجه توزیع توانیر و دانش آموخته دکتری مهندسی برق از دانشگاه صنعتی امیر کبیر تهران) مزین شد.

سختگوی دولت سیمبانان را «پاسبانان و پاسداران نور و زندگی» خواند و تاکید کرد: در دنیای امروز، زندگی بدون جریان برق بی‌معنا و نشدنی است. شما تنها چراغ‌ها را روشن نمی‌کنید، بلکه به کل جریان زندگی مردم کمک می‌کنید.

خنثی‌سازی بیش از ۲۰۰۰ حمله به زیرساخت‌ها و رضایت‌مندی عمومی

مهاجرانی با اشاره به تهدیدات و حملات گسترده به زیرساخت‌های حیاتی کشور، از ایستادگی نیروهای صنعت انرژی پرده برداشت و گفت: جا دارد از تمامی عزیزانی که در طول این مدت، در برابر بیش از ۲۰۰۰ حمله‌ای که به صنعت آب و برق صورت گرفت ایستادگی کردند تا مردم ما احساس نگرانی نکنند و در تنگی قرار نگیرند، تشکر ویژه داشته باشم.

وی با انتقال پیام رضایت مردم افزود: من در تمام مصاحبه‌ها این موضوع را بیان می‌کنم، زیرا وظیفه دارم پیام مردم را منتقل کنم. مردم اعلام می‌کنند که از خدمت‌رسانی در طول این چهل و چند روز رضایت دارند. برای کسی که کار می‌کنند، هیچ چیز زیباتر از شنیدن پیام رضایت‌مندی از سوی مردم نیست.

سختگوی دولت همچنین مراتب سپاسگزاری خود را از روابط عمومی، عباس علی‌آبادی (وزیر محترم نیرو)، مصطفی رجبی مشهدی



تولید در اولویت است

محمد اتابک وزیر صمت در نشست شورای گفتگوی دولت وبخش خصوصی استان اظهار کرد: در این دولت تعداد ۱۲۲۵ واحد صنعتی بزرگ با سرمایه گذاری بالغ بر ۷۶۶ هزار میلیارد تومان افتتاح شد که به غیر از احیای واحدها و طرحهای داخل شهرک های صنعتی است.

فولاد در مسیر خودکفایی

اتابک یادآورشد: در سال‌های گذشته صنعت فولاد کشور به واردات الکترو دگرگرافیتی وابسته بود، اما اکنون با اتکا به دانش بومی و توان نخبگان صنعتی و تولید این محصول، مسیر خودکفایی در این حوزه هموار شده است.

اتابک تصریح کرد: صنعت فولاد از شاخص‌های اصلی توسعه یافتگی کشورها به شمار می‌رود و هیچ مسیر رشد و تحول صنعتی بدون تأمین پایدار فولاد قابل تصور نیست و امروز در ردیف ۸ کشور تولیدکننده محصول «الکترو دگرافیتی» هستیم.

وزیر صمت گفت: دولت با انبوهی از ناترازی‌ها مواجه بود که میراث گذشته بود و هر سال شاهد ۷ تا ۱۰ درصد افزایش مصرف و ۳ درصد افزایش تولید برق بودیم که با تلاش های انجام شده و تاکید ویژه رئیس جمهور در حوزه توسعه انرژی های تجدیدپذیر و خورشیدی امروز یک ماه دیرتر قطع برق داشتیم و سال آینده این وضعیت به طور محسوسی بهبود خواهد یافت و امیدواریم قطعی نداشته باشیم.

اتابک گفت: از سوی صنعتگران هم بیش از ۴۶۰۰ مگاوات ظرفیت جدید نیروگاه خورشیدی وارد مدار شد که بخشی از نیازها تأمین شد .

تأمین ارز مواد اولیه در اولویت

وی یادآورشد: با توجه به این که با کمبودهای زیادی از جمله ارز در کشور مواجهیم لذا اولویت بندی کردیم تا ابتدا سهمیه ارز برای تأمین مواد اولیه تولید اختصاص داده شود و سپس واحدهایی که ماشین آلات تولید را نصب کرده و فقط بخش آخر باقیمانده نیز می‌توانند از این اولویت برخوردار شوند اما در نهایت یک ویرایش دیگری از سوی بانک مرکزی صورت گرفت که نباید می‌شد و موجب چالش شد. در حالی که ارز متعلق به صادرکننده است و نباید کمتر خریداری شود هرچند صنعتگر هم می‌پذیرد که بانک مرکزی مسئول ارز کشور است و باید از امور مطلع باشد.

وزیر صمت گفت: این که خرید ارز از صنعتگر پایین تر از بازار باشد حتما مشکل ساز و دخالت در قوانین تجاری است و برای اصلاح سیاست های ارزی مقرر شد از تالاری که ارز به صادرکننده پرداخت می‌شود از همان تالار خریداری شود تا صف کوتاه شده و ارز به ثبات برسد چون ارزی که توسط صنایع سنگین وارد کشور می‌شود می‌تواند جوابگو باشد.

تسهیلات ۴۰ همتی برای دو خودرو ساز

اتابک بیان کرد: امسال ارز بیشتری به خودروسازان اختصاص یافت و ۲۰ همت برای ایران خودرو و ۲۰ همت برای سایپا از بانک مرکزی مصوب شد که بایستی برای پرداخت بدهی به قطعه سازان هزینه کنند که تولیدکنندگان قزوین هم می‌توانند پیگیر باشند تا کار تسریع شود.

پیمان اوراسیا با جمعیت ۲۸۵ میلیون نفری

وی اضافه کرد: با پیمان اوراسیا با یک جمعیت ۲۸۵ میلیون نفری کشورهای ارمنستان، قرقیزستان، قزاقستان، روسیه که عضو هستند تعرفه های کالایی صفر یا کاهش می‌یابد که در این راستا از سوی سازمان توسعه تجارت ایران ۸۷ درصد تعرفه کالایی صفر شد که پاکستان و ازبکستان نیز را شامل می‌شود.

حمایت مالیاتی از واحدهای آسیب‌دیده

اتابک اظهار کرد: در خصوص بسته حمایتی ۷۰۰ همتی برای صنعتگران حدود ۸۵ فقره پرداختی داشتیم که مقداری هم به صورت برات اعتباری و الکترونیک در حال توزیع است و تسهیلات اضافی هم پیش بینی خواهد شد و برای بازگشت ارز یک کارگروه مشترک ایجاد می‌شود تا مشکلات صادرکنندگان قزوین را پیگیری کند .

وزیر صمت افزود: به رئیس جمهور پیشنهاد دادیم تا تولیدکنندگانی که در پرداخت مالیات و زیرساخت مشکلاتی دارند در اولویت قرار گرفته و بدهی خود را با تاخیر پرداخت کنند و ستاد تسهیل و رفع موانع تولید در استانها نیز این اختیار را دارند که مصوبه لازم را با هماهنگی تهران صادر کنند.

تغییر سیاست ها ارزی ضروری است

وزیر صمت در ادامه گفت: دخالت سیاست های ارزی در سیاست های تجاری موجب چالش شده و باید این مسئولیت از بانک مرکزی خارج شود تا این وضعیت را بهبود بخشیم.

اتابک یادآورشد: اتکا به شرکت های دانش بنیان و استفاده از فناوری های روز از دیگر رویکردهای وزارتخانه است که در این راستا استان قزوین با داشتن واحدهای دانشگاهی، آموزشی و علمی می‌تواند در اجرای طرح توسعه شرکت های دانش بنیان هم پیشتاز باشد.

آتش بس یا نقد کردن چک پیروزی در میدان دیپلماسی؟



محمد دلاورجور، پژوهشگر حوزه علوم انسانی، در یادداشتی تحلیلی به بررسی ابعاد پیچیده آتش‌بس در مقطع کنونی پرداخته است. وی معتقد است این رویدار را نباید به خودی خود سرافکندگی یا فتحی بی‌همتا دانست؛ بلکه واقعیت ماجرا «نقد کردن دستوردهای سخت میدان» در بازارهای سیاست، امنیت و اقتصاد است. به باور این پژوهشگر، همان‌طور که نیروهای مسلح در میدان نظامی برای حفظ تفوق بر دشمن از ترکیب نیروهای هوافضا و دریایی بهره می‌گیرند، امروز نیز کلان‌ساختار تصمیم‌گیری کشور با حفظ راهبردهای اصلی، در حال تمویض تاکتیک از عرصه‌ای به عرصه دیگر است تا منافع ملی را تثبیت کند. دلاورجور در تحلیل خود به سه دغدغه اصلی توده‌های انقلابی یعنی «تحمیلی بودن صلح»، «تجربه تلخ دهه نود» و «فرصت بازسازی دشمن» پاسخ می‌دهد. وی تأکید می‌کند که برخلاف دوران مذاکرات دهه نود که «میدان» رقیب «دیپلماسی» پنداشته می‌شد، در پارادایم امروز نظام، مذاکره بخشی از پازل میدان است. اگر در دهه نود عده‌ای معتقد بودند برای پیشرفت باید از میدان گذشت، امروز دیپلماسی در امتداد اسلحه و برای صیانت از دستوردهای رزمندگان عمل می‌کند. این تحلیلگر خاطر نشان می‌سازد که موافقت دشمن با کلیات شروط ده‌گانه ایران، نشان‌دهنده دست برتر جمهوری اسلامی و امتداد منطقی پیروزی‌های نظامی در پوشش دیپلماتیک است.

نقطه ثقل یادداشت دلاورجور، ضرورت تبدیل دستوردهای میدانی به محصولات ماندگار است. وی هشدار می‌دهد که نباید دستوردهایی که با خون هزاران شهید به دست آمده را ارزان‌فروشی کرد. مأموریت اصلی دستگاه دیپلماسی در این مقطع، تبدیل این اقتدار نظامی به «امنیت پایدار»، «ایجاد نظم جدید در منطقه» و «توسعه سیاسی و اقتصادی» برای نظام اسلامی است. او با استناد به تجربه جنگ ۲۳ روزه لبنان یادآور می‌شود که مقاومت توانست علی‌رغم داشتن دست بالاتر در میدان، خواسته‌های خود را در میز مذاکره به



واکاوی ادعای جنجالی تاکر کارلسون

تاکر کارلسون، مجری و فعال رسانه آمریکایی در بخشی از صحبت‌های خود به نکته‌ی مهمی اشاره کرد که پرده از حقیقت سیاست‌مداران کاخ سفید به ویژه رؤسای جمهور آن بر می‌دارد. او گفت «مذهب مدنی دولت آمریکا چیست؟ به وضوح که مسیحیت نیست. صادقانه بگم که مذهب دولت ترامپ اسرائیلیسم است. دفاع از اسرائیل.»

پرسش از «مذهب مدنی» ایالات متحده از دیرباز در میان جامعه‌شناسان و پژوهشگران دین مطرح بوده است. آمریکا به‌طور رسمی دولتی سکولار دارد و قانون اساسی آن از تأسیس دین رسمی جلوگیری می‌کند. با این حال، بسیاری از پژوهشگران معتقدند که در کنار ادیان سنتی، نوعی «مذهب مدنی» در فرهنگ سیاسی آمریکا شکل گرفته است؛ مجموعه‌ای از نمادها، آیین‌ها و باورهای مشترک که به هویت ملی معنا می‌دهد. سوگند به قانون اساسی، احترام به پرچم، ارجاع مکرر به مفاهیمی مانند آزادی و سرنوشت تاریخی ملت، و حتی استفاده از زبان دینی در سخنرانی‌های سیاسی، همگی بخشی از این پدیده تلقی می‌شوند.

مفهوم «مذهب مدنی» را به‌طور مشهور جامعه‌شناس آمریکایی رابرت بلا در دهه ۱۹۶۰ صورت‌بندی کرد. از نگاه او، آمریکا دارای نوعی سنت معنوی عمومی است که نه کاملاً دینی است و نه صرفاً سیاسی. این سنت نوعی روایت اخلاقی درباره مأموریت تاریخی کشور، ارزش‌های بنیادین آن و مسئولیت‌های شهروندان ارائه می‌دهد. در این چارچوب، ارجاع به خدا در سخنرانی‌های رسمی یا مراسم یادبود ملی لزوماً به معنای پیروی از یک دین خاص نیست، بلکه بخشی از زبان نمادین مشترک جامعه محسوب می‌شود.

در کنار این چارچوب عمومی، جریان‌های مذهبی خاصی هم در آمریکا شکل گرفته‌اند. یکی از شناخته‌شده‌ترین آن‌ها «صهیونیسم مسیحی» است. این اصطلاح به برخی گروه‌های پروتستان انجیلی اشاره دارد که باور دارند بازگشت یهودیان به سرزمین تاریخی‌شان بخشی از برنامه الهی در کتاب مقدس است.

در نگاه این جریان، تحولات خاورمیانه می‌تواند معنایی دینی داشته باشد و حتی به پیشگویی‌های آخرالزمانی مرتبط شود. آن‌ها معمولاً برای قوم یهود نقش خاصی در طرح نهایی خداوند قائل‌اند. البته این دیدگاه فقط مربوط به بخش‌هایی از انجیلی‌هاست و همه مسیحیان چنین برداشتی ندارند. از این روست که تاکر کارلسون با درک همین موضوع می‌گوید «مذهب دولت ترامپ اسرائیلیسم است؛ دفاع از اسرائیل.»



نگاهی درام‌نویسی نروژ

شاید اگر در میان برترین درام‌نویسان تاریخ دنیا، نام هنریک ایبسن وجود نداشت، نروژ در تاریخ درام‌نویسی دنیا سهم چندانی نداشت، گویی ایبسن با حضور و قلمش، نماینده توانایی برای درام نروژ در قرن نوزدهم تلقی و باعث می‌شود که پس از انگلیس، فرانسه و اسپانیا از نروژ و هنریک ایبسن هم حرف زده شود. ایبسن، شاعر و نمایشنامه‌نویس نروژی تبار، با آثار مطرحی چون «خانه عروسک»، «اشباح»، «مرغابی وحشی» و به‌ویژه «دشمن مردم» شناخته می‌شود.

شاکله درام ایبسن در بررسی کلی آثار او، ویژگی‌ها و خصایص ملموسی دارد که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد.

جنس شخصیت پردازی

ایبسن در شخصیت پردازی و پرداخت به کاراکترها، بسیار پیچیده و مرکب عمل می‌کند و شخصیت‌ها از لحاظ وجوه کلی، چه درونی و چه بیرونی به سطح و تیپ بسته نمی‌کنند و قابلیت تحلیل در ابعاد مختلف را دارا هستند. شخصیت‌ها در درام ایبسنی، انسان‌هایی با اهدافی پیچیده هستند که در مسیر رسیدن به این اهداف، با درگیری، تنش و تعارضات درونی نیز دست و پنجه نرم می‌کنند که گذشته‌هایی پنهان و نامشخص دارند. رفتار شخصیت‌ها نتیجه منطق روانی آنهاست، نه صرفاً نیازهای داستانی.

درامی با ریشه‌هایی در گذشته

در درام ایبسن، به‌ویژه سه اثر «خانه عروسک»، «اشباح» و «دشمن مردم» اتفاقات در گذشته رخ داده‌اند و اکنون پیامدها، تک به تک آشکار می‌شوند. به نوعی فرایند اکسپوزیشن یا همان (افشا) که از مهم‌ترین فنون در درام‌نویسی است و شاید سخت‌ترین و چالشی‌ترین نکته در نگارش یک اثر دراماتیک شمرده می‌شود، توسط وقایعی که در گذشته توسط کاراکترها رخ داده است، صورت می‌گیرد.

درامی بیرون‌گرد

درام ایبسن، کاملاً بیرون‌گرد است و درون‌گرد نیست، ایبسن برای آثار خود از سوزوهایی استفاده می‌کند که تنها در کنج اتفاقی در دل یک محله آرام نمی‌گذرد و اتفاقاً کاملاً بیرونی است و واکنشی به جامعه اطراف خود دارد، که این موضوع بسیار مهم است و شایسته است که تطبیقش با اصلی‌ترین چالش درام‌نویسان جوان ایرانی صورت داد؛ آثاری که امروزه در سالن‌های تئاتر، توسط دانشجویان یا نو وردان به این حرفه به نگارش درآمده و به صحنه می‌رود، دارای یک مولفه کلی است که ۹۰ درصد آثار را شامل می‌شود. این مشکل بدین شرح است که اغلب آثار، از لحاظ محتوایی کاملاً درونی هستند و موقعیت‌های مکانی این نمایش‌ها عمدتاً در فضاهای بسته، آپارتمانی و یا موقعیت‌هایی می‌گذرد که ارتباط مستقیمی با جامعه و بیرون سالن‌های تئاتر ندارد و واکنش مخاطب نسبت به این آثار که صرفاً درونی هستند، در عمده اوقات واکنش درخور و مثبتی نیست چون تماشای درونیات صرف، چه مولفه و جذابیتی برای مخاطب خواهد داشت؟ همین موضوع سبب آسیب به دید و ذهنیت مخاطب نسبت به تئاتر می‌شود. اصلی‌ترین دلیلی که این آثار مورد توجه قرار نمی‌گیرد، همین بیش از حد درونی بودن آثار است و ایبسن نمونه خوبی برای اصلاح این شیوه است، زیرا ایبسن با بهره‌گیری از جهان‌بینی و تخیل خود دست به خلق آثاری می‌زند، که بیرون‌گرد هستند و ارتباط و سختی با جامعه دارند. در ادامه به بررسی تحلیلی این موارد در نمایشنامه «دشمن مردم» در راستای آشنایی بیشتر با درام ایبسنی، می‌پردازیم.

داستانی درمورد یک دکتر؛ روزنامه‌نگاری که طرف حقیقت

نایستاند!

دکتر استوکان، پزشک شهر کوچکی که اقتصادش به آبرگرها وابسته است، کشف می‌کند که آب‌ها آلوده‌اند و سلامت مردم را تهدید می‌کنند. او می‌کوشد حقیقت را اعلام کند، اما شهردار که برادرش هم هست و صاحبان منافع از ترس آسیب اقتصادی به آبرو و تجارت شهر، سعی می‌کنند یافته‌های او را پنهان کنند. روزنامه‌نگاران ابتدا از استوکان حمایت می‌کنند اما به‌محض درک پیامدهای مالی، علیه او می‌شووند و افکار عمومی نیز با فشار و هیجان‌زدگی به دشمنی با او برمی‌خیزد. در نهایت، او منزوی و طرد می‌شود اما با وجود همه این‌ها تصمیم می‌گیرد بماند و بر اصول خود پای بفشارد، حتی اگر تنها باشد.

این خلاصه داستانی از این نمایشنامه است. همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد شخصیت‌ها در درام ایبسن پیچیده هستند، از خلاصه داستان مشخص است که شخصیت اصلی این نمایشنامه دکتر استوکان است، در شخصیت پردازی می‌بینیم که موقعیت دراماتیک، شرایطی را ایجاد و ایجاد می‌کند که کاراکترها قصد و امیال درونی خود را افشا کنند و این موضوع سبب می‌شود که مخاطب تا انتها همراه شود، زیرا تا انتها این امکان، ممکن می‌شود که هر کاراکتر تغییر رنگ و تغییر قصد دهد و به سمت دیگری حرکت کند. دکتر استوکان ممکن است که دیگر به فکر آب‌های آلوده نباشد و امکاناتی را که در ازای رها کردن این موضوع به وجود می‌آید دنبال کند. از آن سو شهردار، ممکن است از میز و صندلی ریاست کناره‌گیری کند و در سمت درست تاریخ بایستد و همین چالش‌ها باعث می‌شود که درام ایبسن تا انتها تماشایی بماند.



کتاب «آخرین مسابقه»

این رمان نوجوان ما را به دوران امام رضا(ع) می‌برد که شاید مطالعه‌اش در این روزها که در دهه کرامت قرار گرفته‌ایم، خالی از لطف و آگاهی نباشد. داستان این کتاب درباره تلما است و ماجراها با او آغاز می‌شود. او کنیزی در قصر هارون‌الرشید، خلیفه عباسی است. تلما، مهارتی بی‌نظیر در تیراندازی دارد؛ اما این استعداد نه‌تنها او را از بند اسارت رها نمی‌کند، بلکه او را وارد مسابقاتی سرنوشت‌ساز می‌کند که آینده‌اش را به‌طور کامل دگرگون خواهد کرد.

«آخرین مسابقه» را عطیه‌سادات صالحیان نوشته است. این اثر، روایتی پرکشش از تاریخ و درامی ماجراجویانه است که مفاهیمی همچون عدالت، آزادی و انسانیت را در دل داستانی خواندنی به نوجوانان معرفی می‌کند.

■ دختر اگر نبود، هیچ گلی در دنیا رنگ نداشت، هیچ درختی میوه نمی‌داد، هیچ نقاشی‌ای کشیده نمی‌شد، هیچ ابری نمی‌بارید و اصلاً هیچ جهانی ساخته نمی‌شد.

روز دختران است و می‌خواهیم در این مطلب حسایی قربان‌صدقه هم برویم. مثلاً بگویم دختر اگر در خانه نباشد، یک چیزی در آن نمی‌گذرد کم است که دیگر نمی‌توان گفت آن ساختمان خانه است، می‌شود چهارتا تکه آهن و سیمان و آجر که هیچ روحی ندارد. دختران، رحمت‌اند؛ رحمتی که با دیدن‌شان گل از گل چهره پدر و مادر می‌شکند حتی اگر در اوج خستگی باشند. دختران، از رنگ روسری‌شان به روی دیوارهای خانه می‌پاشند و تحرک و شادی به خانواده می‌بخشند. آن‌ها جامعه را نیز با نشاط می‌کنند؛ اصلاً جامعه‌ای که در آن دختران، دخترانگی نکنند، هیچ ذوقی برای هنرآفرینی و هیچ شجاعتی برای جنگاوری ندارد.

امروز روز دخترهاست؛ دخترهایی که حضورشان در خانه برای پدر و مادر گاهی آن‌قدر حتمی است که عادی می‌شود؛ اما امان از آن روزی که دختر چندساعت دیر به خانه بیاید یا اصلاً نیاید. تمام جهان بهم می‌ریزد. مثل روزی که دختران میناب، دختران زیبای مدرسه شجره طیبه میناب دیگر به خانه برگشتند. جهان‌مان بهم ریخت. جهان همه مردم جهان؛ آن‌هایی که قلبشان از سیاهی پر نشده است و هنوز می‌فهمند که انسان، انسان است و حق حیات دارد. دختران میناب اما حتی حق حیات هم نداشتند، که بیشتر در حیات مدرسه بازی کنند و چیچ بکشند و بیشتر در حیات خانه‌شان گل بکارند و خاله‌بازی کنند .

امروز روز دخترهاست؛ حتی دخترهایی که از دنیای واقعی کوچ کرده‌اند به دنیای کتاب‌ها و کلمات. شاید به‌خاطر اینکه از بمب‌ها و موشک‌ها و قلب‌های سیاه فرار کنند. به مناسبت ولادت حضرت فاطمه معصومه(س) و روز دختر، در این مطلب به معرفی چند رمان نوجوان می‌پردازیم که دختران در آن نقش اساسی دارند و پایه و زیربنای اتفاقات آن هستند؛ دقیق‌ترش این است که اگر دختران در این کتاب‌ها نبودند، هیچ اتفاق خوبی نمی‌افتاد.

کتاب «دختر آینه‌پوش»

این رمان نوجوان را فریبا کلهر، نویسنده نام‌آشنای ادبیات کودک و نوجوان ایران نوشته است. داستان این رمان که درون‌مایه‌ای دینی و مذهبی دارد، درباره دو دختر نوجوان است که در سفری به سرزمین جادویی «جلگه نیلوفران» با تجربه‌های جدیدی روبه‌رو می‌شوند.

خیزش ملی که دشمن را به لرزه انداخت



■ در روزهایی که آسمان منطقه از ابرهای سنگین تهدید، التهاب و روایت‌های جنگی تاریک شده بود، ناگهان از دل همین خاک گرم و غم‌زیده، فریادی برخاست. نه فریاد توپ و تانک، بلکه ندایی از عمق وجدان بیدار یک ملت: «جان‌فدا برای ایران». این پویش، تنها یک فراخوان نبود؛ تولد دوباره‌ای بود برای همان غیرتی که روزی خرمشهر را آزاد کرد و امروز می‌خواهد ایران را در برابر چشمان دریده دشمنان، پاسدار بماند.

از یک ندا تا طوفانی از حضور

همه چیز از اواسط فروردین آغاز شد؛ سازمان هیأت و تشکل‌های دینی جرقه‌ای زد که قرار نبود خاموش شود. جرقه‌ای به نام «جان‌فدا برای ایران»؛ پویشی که در آن مردم آمدند تا بگویند: «ما هنوز زنده‌ایم و ایستاده‌ایم.» انگار که تمام ایران در یک صدا خلاصه شد «اگر تهدید می‌کنید، بدانید که این سرزمین، پر از جان‌هایی است که حاضرند برای خاکشان پروانه شوند»

و چه زود، این فراخوان به خیزشی ملی بدل شد. میلیون‌ها ایرانی، نه به عنوان آمار و عدد، بلکه چون سدی از اراده، قد علم کردند. امروز، شمار جان‌فدایان این سرزمین ۲۸ میلیون نفر فراتر رفته و هر لحظه، شعله‌ای دیگر به این آتش حماسی افزوده می‌شود. گویی هر ایرانی دارد زیر لب زمزمه می‌کند «هر ایرانی، یک سرباز است.» ۲۸ میلیون جان‌فدا برای ایران؛ خیزش ملی که دشمن را به لرزه انداخت

چرا «جان‌فدا»؟ مگر غیر از این است که ایران به جان ما گره خورده؟

در روزگاری که جنگ ترکیبی و روانی دشمن، خطوط‌های بسیاری بر تن منطقه کشیده، مهم‌ترین سلاح یک ملت، «تمایش اراده عمومی» است. پویش «جان‌فدا» این حقیقت را فریاد زد که بازدارندگی، فقط در سکوهای پرتاب و رادارها خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در دلی است که می‌گوید «من می‌ایستم».

نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که بیش از ۶۵ درصد مردم ایران برای پاسخ به هر تهدیدی، لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند. این همان سرمایه اجتماعی عظیمی است که دشمن از آن هراس دارد؛ چون می‌داند در برابر ملتی ایستاده که حتی اگر سلاحی نداشته باشد، ایمان و غیرتش را به کار گرفته است.

موجی که مسئولان و قهرمانان را هم با خود برد

این حماسه، تنها محدود به کوچه و خیابان نماند. از قلمه‌های نظام و مدیریت تا قلب تپنده ورزش و فرهنگ، همگان به این کاروان پیوستند. محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، با چشمانی خیس نوشت: «صمدزاتر جان‌فدا یادا و اول جان من»

محسنی اژای، رئیس قوه قضائیه، این جان‌فدایی را ترجمان آیهی «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم» دانست؛ یعنی همان بیعتی که هیچ دشمنی تاب شنیدن صدایش را ندارد.

۲۸ میلیون جان‌فدا برای ایران؛ خیزش ملی که دشمن را به لرزه انداخت

آیتالله جوادی آملی، مرجع عالیقدر جهان تشیع، از حوزویان خواست که در این حضور همگانی، سنگ تمام بگذارند.

در نییای ورزش، هادی ساعی، قهرمان المپیک، ثریا آقایی و صدها



روایت بهزیستی از کوچ بزرگ کودکان به خانواده‌ها

■ به نقل از سازمان بهزیستی کشور، حمیدرضا الوند اظهار داشت: تمامی خدماتی که در تمام مراکز شبه خانواده و برای تمام کودکان تحت سرپرستی در خانه و خانواده در شرایط عادی جاری بوده همچنان به قوت خود باقی است و همچنان همه آن خدمات در تمامی مراکز بهزیستی و برای کودکان در خانواده به خوبی ارائه می‌شود.

وی افزود: خوشبختانه هیچ‌کدام از همکاران ما به عنوان مربیان زحمتکش در مراکز شبه خانواده، مددکاران، روانشناسان و مسئولین حوزه علوم تربیتی کار خود را ترک نکرده‌اند و در این شرایط سخت در کنار کودکان به ارائه خدمات تخصصی خود ادامه می‌دهند. الوند ادامه داد: بر اساس سیاست‌هایی که در روزهای اول جنگ در نظر گرفتیم، سیاست تقویت حضور کودکان در خانواده را به تمام استان‌ها ابلاغ کردیم و اعلام شد که تمامی مراکز شبه خانواده در قالب فرزندخواندگی، امین موقت و خانواده امین، طرح میزبان، بازیبوند کودکان به خانواده‌های زیستی و غیرزیستی و در صورت فراهم بودن شرایط اعزام آن‌ها به مرخصی نزد اقوام و بستگان طبق ضوابط، مقررات و پروتکل‌های ابلاغی و قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران، اقدامات را انجام دهند.

وی تصریح کرد: آنچه برای ما اهمیت داشت، مصلحت کودکان بود بنابراین با رعایت مصلحت کودکان و تأمین امنیت و سلامت جسمانی و در نهایت سلامت روانی آن‌ها، این سیاست اتخاذ و اجرا شد.

مدیرکل دفتر توانمندسازی کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور گفت: بر همین اساس و با رعایت ضوابط و مقررات تخصصی از حدود ۱۵۰۰ کودک در شیرخوارگاه‌ها اکنون برای کودکان صفر تا سه سال در ۳۳ شیرخوارگاه کشور کمتر از ۲۵۳ کودک باقی مانده‌اند یعنی سایر کودکان در قالب این مدل‌ها وارد خانواده شده‌اند و نظارت‌های پس از آن نیز همچنان ادامه دارد.

وی افزود: از حدود ۹۳۰۰ کودک در ۶۶۷ مرکز شبه خانواده اکنون کمتر از ۵ هزار نفر در مراکز حضور دارند و بیش از ۴۰۰۰ نفر در قالب فرآیندهای خانواده‌محور وارد خانواده شده‌اند. از حدود ۶۷۰ مرکز نیمه ۶۴۱ مرکز فعال است. این به معنای تعطیلی مراکز نیست بلکه برخی مراکز که در مجاورت مراکز نظامی و امنیتی بودند به دلیل شرایط خاص جابجا یا ادغام شدند و در مجموع ۸۶ مرکز جابجا شده‌اند.

الوند ادامه داد: ۶ مرکز در جریان جنگ خسارت دیده‌اند که در مجاورت محل‌های مورد حمله بودند اما خوشبختانه این مراکز تخلیه شده بودند و هیچ‌یک از کودکان آسیب ندیده‌اند. تاکنون هیچ‌کدام از فرزندان تحت سرپرستی در مراکز و خانواده‌ها مورد اصابت قرار نگرفته و زخمی نشده‌اند.

وی درباره اقدامات انجام شده گفت: ۳۳۱ کودک به خانواده‌های میزبان، ۱۴۲ نفر به امین موقت، ۱۹۶ کودک در قالب فرزندخواندگی، ۲۸۲۴ نفر به مرخصی نزد خانواده‌ها و بستگان و ۲۹۱ نفر نیز به خانواده‌های زیستی و غیرزیستی بازیبوند داده شده‌اند.

مدیرکل دفتر توانمندسازی کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور تصریح کرد: تمامی کودکانی که مشمول دریافت امداد ماهیانه بودند با ورود به این مدل‌های خانواده‌محور، همچنان از این حمایت‌ها برخوردارند و پرداخت‌ها ادامه دارد.

وی افزود: برای تقدیر از مربیان و پرسنل شیرخوارگاه‌ها، با حمایت رئیس سازمان و بخش‌های پشتیبانی، اعتبار رفاهی ویژه‌ای اختصاص یافت و به جای سه ماه، معادل ۹ ماه مزایا برای پرسنل شیفت‌های شبانه‌روزی و روزانه پرداخت شد.

الوند ادامه داد: تمامی اعتبارات و تجهیزات حوزه کودکان، علی‌رغم شرایط سخت اقتصادی ناشی از جنگ با حمایت مدیران سازمان و همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به‌طور کامل تخصیص و حتی بیش از میزان مصوب به استان‌ها ابلاغ شد همچنین به استان‌های درگیر جنگ، اعتبارات اضافی برای حمایت از مراکز غیردولتی اختصاص یافت.

وی گفت: در مجموع حدود ۲۴۶۶ میلیارد تومان اعتبار برای سال ۱۴۰۵ به طور کامل تخصیص و به استان‌ها ابلاغ شده است. امداد ماهیانه کودکان، یارانه مراکز، پول توجیبی، هزینه پوشاک، درمان و کمک‌های موردی به طور کامل پرداخت شده و اعتبارات مراکز روزانه، مراکز سلامت اجتماعی، برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و هنری نیز به استان‌ها ابلاغ شده است. همچنین برای ۳ هزار نفر از نوجوانان ۱۷ تا ۱۹ ساله، با سرانه ۲۵ میلیون تومان، حساب‌های سرمایه‌گذاری آینده افتتاح و مبالغ مربوطه واریز شده است.

مدیرکل دفتر توانمندسازی کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور درباره نظارت‌ها گفت: نظارت حضوری، مجازی و تلفنی بر وضعیت کودکان در مراکز و خانواده‌ها به‌صورت مستمر در حال انجام است و کارشناسان ستادی نیز استان‌ها را به‌طور روزانه رصد و ارزیابی می‌کنند.

پیوستن خود به پویش جان‌فدای ایران خبر داد. جلیلی نوشت: پرشکوه‌ترین نقش هر ایرانی را در شمار بی‌توقف جان‌فدایان نظاره کنید. این همدلی، سرمایه‌ای برای رسیدن به مرتفع‌ترین قله‌هاست. من نیز همگام با مردم شریف ایران، به این پویش پیوستم.

مهران رجبی به پویش «جان‌فدا» پیوست.

۲۸ میلیون، فقط عدد نیست؛ ۲۸ میلیون قلب تپنده است

این پویش، آمار نیست؛ نمایشگاه بیداری است. هر یک از این ۲۸ میلیون نفر، یک تصمیم، یک غیرت و یک اعلام موضع است.

پویش «جان‌فدا»، حقیقتی به نام «امنیت مردم‌پایه»

امنیت در ایران، از پادگان‌ها و سنگرها فراتر رفته و به خانه‌ها، دل‌ها و کوچه‌ها رسیده است. پویش «جان‌فدا» تجسم عینی این حقیقت است که هر شهروند، یک نگهبان است. این رویکرد، نه تنها همبستگی ملی را شعله‌ورتر ساخته، بلکه «سرمایه دفاعی نرم» ایران را به سلاحی بی‌نظیر در برابر تمام تهدیدها تبدیل کرده است.

و این گونه است که امروز ایران دارد یک حماسه دیگر می‌آفریند؛ نه با گلوله، که با نام‌نویسی؛ نه در سنگر، که در قلب‌ها. جان‌فدا برای ایران.

ورزشکار دیگر، با چهره‌هایی مصمم، نام خود را در فهرست سربازان ایران نوشتند. آنها آمدند تا بگویند غیرت، مرز ورزش و سیاست نمی‌شناسد. سید پرویز فتح پس از پیوستن به پویش «جان‌فدا» با اشاره به شرایط حساس کشور در جنگ با آمریکای جنایتکار و رژیم پلید صهیونی گفت: همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی بر حضور میدانی مردم در صحنه تأکید کردند، این پویش نیز نمادی از آمادگی مردم برای دفاع از میهن و حمایت از ی‌کدیگر است.

علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، به پویش «جان‌فدا برای ایران» پیوست.

سعید جلیلی نماینده رهبرانقلاب در شورای عالی امنیت ملی در پیامی از پیوستن خود به پویش جان‌فدای ایران خبر داد.

جلیلی نوشت: پرشکوه‌ترین نقش هر ایرانی را در شمار بی‌توقف جان‌فدایان نظاره کنید. این همدلی، سرمایه‌ای برای رسیدن به مرتفع‌ترین قله‌هاست. من نیز همگام با مردم شریف ایران، به این پویش پیوستم.

۲۸ میلیون جان‌فدا برای ایران؛ خیزش ملی که دشمن را به لرزه انداخت

سعید جلیلی نماینده رهبرانقلاب در شورای عالی امنیت ملی در پیامی از

روز دختر و جای خالی لبخندهای دختران میناب



■ امروز در تقویم رسمی ایران، روز «دختر» است؛ روزی که قرار است بهانه‌ای باشد برای لبخند، برای غنچه‌هایی که تازه به باغ زندگی قدم گذاشته‌اند. در این روز، رسانه‌ها پر می‌شد از عکس دختران خندان، از هدیه‌ها و تبریک‌ها، از جشن‌هایی که در مدارس و خانه‌ها برپاست. اما در گوشه‌ای از این سرزمین، سکوتی سنگین حاکم است. سکوت میناب. میناب، شهر نخلستان‌های جنوب، جایی که پوی دریا با بوی نان محلی گره خورده. روزی نه چندان دور، در همین میناب، دختران دانش‌آموزی مشغول درس خواندن بودند. صبح یک روز عادی بود؛ نیمکت‌ها چیده شده بود، تخته سیاه پاک شده بود، و چند خط از کتاب فارسی روی تخته نوشته شده بود. دخترها با کیف‌های صورتی و بنفش پشت نیمکت‌ها نشسته بودند و آرزوهای کوچکشان را در دفتر مشق می‌نوشتند.

اما ناگهان آسمان سرد شد. صدای وحشتناکی آمد. نه از کلاس کناری، که از آسمان. آن روز، بمب‌های آمریکایی بر فراز میناب غرش کردند. نه خبری بود، نه هشدار. نه سنجری، نه اسلحه‌ای، فقط یک مدرسه، پر از دختر. فقط نیمکت‌هایی که روی آنها دفتر مشق باز بود و کیف‌هایی که در راهرو افتاده بود.

و بعد... سکوت. سکوتی که هنوز هم در میناب شنیده می‌شود.

تصدای از آن دختران، در همان سنگر نیمکت‌های چوبی، به شهادت رسیدند. نه در جبهه، نه در سوریه، نه در هیچ عملیات نظامی. در کلاس درس. با موهای بافته‌شده، با ناخن‌های لاک‌زده، با دفتر نقاشی که هنوز نیمه‌کاره بود.

روز دختر و جای خالی لبخندهای میناب

بوسه بر کیف به جای بوسه بر گونه‌های دختر

مادر یکی از آن دختران هنوز هم هر روز صبح، کیف دخترش را در بی‌نهایت می‌بوسد و می‌گذارد سر جایش. پدرش، ساعت مدرسه که می‌شود، ناخودآگاه نگاهی به در می‌افتد. منتظر که برمی‌گردد. منتظر که می‌گوید: «بابا، امروز نمره بیست گرفتم.»

اما آن دختر، دیگر نمره نمی‌گیرد. نه در این مدرسه، نه در این دنیا. او امروز در مدرسه‌ای دیگر درس می‌خواند؛ مدرسه‌ای در آسمان، با شهیدان دیگر.

شاید کمتر کسی بداند، اما از میان شهدای جنگ رمضان، دست‌کم ۲۳۴ نفر از آنها زن هستند. ۲۳۴ مادر، خواهر، دختر، همسر، معلم، دانش‌آموز. ۲۳۴ نفر که اگر امروز زنده بودند، برایشان روز دختر معنی داشت.

یکی دانش‌آموز بود و آرزوی پزشک شدن داشت. یکی معلم بود و برای شاگردانش مادری می‌کرد. یکی تازه عروس بود و هنوز لباس سفیدش چروک نشده بود.

روز دختر و جای خالی لبخندهای میناب

غرب تنها بلد است حرف از حقوق زنان بزند

جالب اینجاست، غرب و سازمان‌های حقوق بشری برای تکتک این دختران، حتی یک پیامبه هم ندارند و محکوم نکرند. در میناب که بمب ریخت، کسی صدایش درآمد؟ دادگاهی تشکیل شد؟ سکوت کردند. مثل همیشه.

غرب و رسانه‌هایش، مسلم از «حقوق زنان و کودکان» حرف می‌زنند. از حقوق دختران افغانستان، از سرنوشت زنان اوکراین، از دغدغه‌های زنان در ایران اما وقتی این صحبت‌ها را فریاد می‌زنند که برایشان منفعت داشته باشد. اما وقتی دختران ایرانی در مدرسه‌شان زیر بمب‌های آمریکایی خاک و خون می‌شوند، نه ژنو واکنش نشان می‌دهد، نه نیویورک، نه لندن نه پاریس!

روز دختر و جای خالی لبخندهای میناب

چرا؟ چون آن دختران روسری داشتند. چون در راهپیمایی ۱۳ آبان، مشقت کوچکیشان را گره می‌کردند و «مرگ بر آمریکا» می‌گفتند. چون پشت نیمکت‌های کلاس، کتاب دینی دستشان بود. چون شهید شدند اما از نوعی که غرب نمی‌خواهد از آن دفاع کند.

به قول یک تحلیلگر ترک: «متأسفانه جهان غرب در برابر این جنایت بزرگ، سکوت کرد.» سکوتی که همچنان ادامه دارد.

در جهانی که هر قاعده انسانی به سرعت در شبکه‌های خبری و بیابیه‌های بین‌المللی بازتاب می‌یابد، درباره این کودکان سکوتی سنگین حاکم شد. نه کارزارهای گسترده بشردوستانه شکل گرفت، نه موجی از همبستگی جهانی برای کودکانی که در میان جنگ گرفتار آمده بودند. برای بسیاری از خانواده‌ها، این سکوت دردناک‌تر از خود جنگ بود.

روز دختر و جای خالی لبخندهای میناب

کودکانی که جهانی نشدند

مادران داغدار می‌پرسند چرا کودکانشان در ایران کمتر دیده شدند. چرا مرگ دختران خردسال در یک مدرسه توانست همان واکنش جهانی را برانگیزد که در دیگر نقاط جهان دیده می‌شود؟

پرسشی که پاسخ آن نه در آمار و نه در گزارش‌ها یافت می‌شود، بلکه در ساختار نابرابر توجه جهانی به رنج انسان‌ها.

امروز که دخترتان را در آغوش می‌گیرید و برایش آرزوی خوشبختی می‌کنید، شاید بد نباشد نگاهی به قاب عکس‌ها بیندازید. به قاب عکس آن ۳۳۴ زن شهید، به قاب عکس دختران میناب. به قاب عکس دانش‌آموزانی که جایشان در راهروهای مدرسه، همچنان خالی است.

روز دختر و جای خالی لبخندهای میناب

این روز، برای ما، روز دختر است. برای آنها، روز اشک مادر. برای آنها، روز «کاش بودی».

دختران میناب، در مدرسه به شهادت رسیدند. با لاک صورتی نلخن، با دفتر مشق باز، با آرزوهای نیمه‌کاره. کلاس درسشان، سنگر شد. نیمکتشان، خاکریز. منادشان، فشنگ. و امروز، در روز دختر، در قلب تاریخ، این سرزمین، همیشه جا دارند. همیشه.

روز دختر مبارک، به همه دختران ایران و درود خدا بر دخترانی که در راه

این سرزمین، کلاس درس را با بهشت عوض کردند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفافیی گرافیست و صفحه آرآ | مهدی حاجی شریفی
روابط عمومی | جهانگیر توسلی ناظر هنری | محمدرضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸ _ ۰۹۹۳۱۲۶۶۶۴ آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالله زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



دختران در دنیای کتاب‌ها

دختر اگر نبوده هیچ گلی در دنیا رنگ نداشت، هیچ درختی میوه نمی‌داد، هیچ نقاشی‌ای کشیده نمی‌شد، هیچ ابری نمی‌بارید و اصلا هیچ جهانی ساخته نمی‌شد.

۲۸ میلیون جان‌فدا برای ایران

در روزهایی که آسمان منطقه از ابرهای سنگین تهدید، التهاب و روایت‌های جنگی تاریک شده بود، ناگهان از دل همین خاکِ گرم و غم‌دیده، فریادی برخاست.

بازسازی فدراسیون را شروع کردیم

میلاد تقوی درباره روند بازسازی فدراسیون والیبال پس از آسیب‌های وارد شده اظهار داشت: واقعاً خودم هم انتظار نداشتیم که کارها با این سرعت آغاز شود. امروز غافلگیر شدیم، چرا که تنها دومین روزی است که همکاران به صورت رسمی سر کار حاضر شدند و بازدیدها آغاز شده است. وی با قدردانی از حمایت‌های صورت‌گرفته افزود: جا دارد از فراکسیون ورزش مجلس و همچنین نمایندگان محترم که در این مسیر همراه بودند، تشکر کنم. بعد از دغدغه‌هایی که درباره بودجه مطرح کردیم، جلسات متعددی به‌صورت تلفنی و حضوری برگزار شد و خوشبختانه توجه ویژه‌ای به والیبال صورت گرفت.

تقوی ادامه داد: تنها یک روز پس از آتش‌س، عملیات عمرانی را آغاز کردیم. در گام نخست، ساختمان اداری فدراسیون بهسازی شد تا شرایط برای حضور کارکنان فراهم شود. با توجه به آسیب‌هایی که به خوابگاه، سالن و سالن بدنسازی وارد شده، بازسازی این بخش‌ها ز‌مان‌بر است و به همین دلیل اردوهای تیم‌های ملی را موقتاً در استان‌های دیگر برگزار می‌کنیم.

وی درباره زمان‌بندی بازگشت به شرایط عادی گفت: امیدواریم تا پایان اردیبهشت بتوانیم حداقل استانداردها را فراهم کنیم تا ملی‌پوشان به اردوهای خود بازگردند. امسال با حجم بالای اعزام‌ها روبه‌رو هستیم و پیش‌بینی می‌شود نزدیک به ۴۰ اعزام داشته باشیم، بنابراین فراهم شدن شرایط مناسب از اهمیت زیادی برخوردار است.

دبیر فدراسیون والیبال در مورد شرایط لیگ خاطرنشان کرد: با هماهنگی باشگاه‌ها لیگ را به اتمام رساندیم و مثل شرایط کرونا بخشنامه مربوط به پرداخت‌های بازیکنان و کادر فنی را به باشگاه‌ها ابلاغ خواهد شد.



دشنام گویی و بدزبانی و دریدگی از نفاق است

امام صادق

عبدالرحمن



با قدرت از تیم ملی فوتبال حمایت میکنیم

● محمدمهدی فروردین ضمن بازدید از محل های تخریب مجموعه ورزشی آزادی و مرکز ملی فوتبال ضمن تسلیت شهادت جمعی از هموطنانمان در حملات ناجوانمردانه دشمن گفت: حمله به مدرسه میناب و اماکن ورزشی نشانه دشمنی است که شاهد هستیم. همواره دشمن از به اهتزاز درآمدن پرچم جمهوری اسلامی ناراحت می شود.

● او درباره میزان خسارات وارد شده به بناهای ورزشی تصریح کرد: خسارات سنگینی وارد شده است اما مصمم‌تر از گذشته هستیم تا با حمایت مردم دوباره آنها را بسازیم. حدود ۱۵ تا ۱۶ همت نیاز است تا اماکن بازسازی شود. با همت مردم و جامعه ورزش بار دیگر این مجموعه ها را حتی بهتر از گذشته خواهیم ساخت.

● فروردین درباره زمان بازگشایی دوباره ورزشگاه آزادی گفت: قبل از پایان سال ۱۴۰۴ تصمیم به این موضوع گرفته شده بود تا فضای اصلی هم ترمیم شود. قطعاً با توجه به جنگ اخیر، وقفه ای داشتیم اما دوستان در توسعه و تجهیز گفتند تا مردادماه این اتفاق محقق شود.

تصمیم تاکتیکی در سوپر لیگ یونان

تیم‌های فوتبال پاناتینایکوس و المپیاکوس در رقابت های سوپر لیگ یونان یکشنبه ۳۰ فروردین و از ساعت ۲۱:۳۰ به وقت تهران رو در روی هم قرار می گیرند.

سایت «redfreaks» یونان در گزارشی به بررسی ترکیب احتمالی المپیاکوس در این بازی پرداخت و مهدی طارمی مهاجم ایرانی این تیم را نیمکت نشین کرد.

در مطلب این سایت آمده است: تیم فوتبال المپیاکوس خود را برای یک نبرد سرنوشت‌ساز در ورزشگاه لئوفوروس مقابل پاناتینایکوس آماده می‌کند؛ دیداری که برای شاگردان خوزه لوئیس مندیلیار اهمیت حیاتی دارد.

سرمربی اسپانیایی در حال نهایی کردن برنامه‌هایش برای این دربی بزرگ است و «قرمز و سفیدها» به‌خوبی می‌دانند که تنها با کسب پیروزی می‌توانند در کورس قهرمانی سوپرلیگ باقی بمانند. اعلام فهرست بازیکنان توسط مندیلیار نیز نشان داد که او در حساس‌ترین مقطع فصل به دنبال تغییرات جدی در ترکیب تیمش است.

انتخاب نهایی بازیکنان اصلاً اتفاقی نبوده است؛ چرا که سرمربی المپیاکوس تصمیم گرفته برونو و کلیتون را به‌طور کامل از فهرست کنار بگذارد. افت عملکرد این دو بازیکن در هفته‌های اخیر باعث شد جایگاه خود را از دست بدهند و این موضوع در واقع تأییدی بر گزارش‌هایی بود که از نارضایتی کادر فنی خبر می‌داد.

در سوی مقابل، بازگشت آندره لوئیز خبر خوبی برای کادر فنی محسوب می‌شود؛ بازیکنی که می‌تواند با انرژی بالا،

